

منقد نماید و بسیار خوشوقت بودم که کار بفرنجی که مملکت را دچار تشنج کرده بود باین ترتیب تمام و بدو سنی ایران و شوروی خدمتی توانستم بکنم ولی وقتی که دانستم مامورین دولت شوروی اهمیت طرح مرا درک نکرده اند و از آن نتوانستند استفاده کنند و بلکه تظاهراتی در اطراف آن نمودند که قهراً بمقام معنوی اتحاد شوروی در ایران و بلکه در تمام شرق ممکن است لطمه بزنند و موجب مسرت سایر دول بشود بسیار متأسف شدم.



آقای ماکیدوف سفير
اسبق شوروی در ایران

جناب آقای سفير! امیدوارم که فرمائید من بمقام و موقعیت دولت شما پیش از خودتان علاقمندم. علاقه من بموقعیت دولت شما از نظر مصالح ایران است و چنانکه در مجلس علناً اظهار داشتم گذشته شما تابت کرده است که هر وقت دولت شوروی از صحنه سیاست ایران غایب شده روزگار ایران تباها شده است! تصدیق فرمائید که قلوب ملت ایران از معادن نفت گران تر و گران است که در آن می توانید استخراج محبت نمائید.

اگر رو به پسندیده ای که بعد از اشغال ایران ارتش و مامورین شما اتخاذ نموده اند تعقیب و قلوب مردم را پیش از پیش مسخر کنید و فریب القاءات سخن چینان را نخورید بین دو لنین همکاری و حسن تفاهمی ایجاد خواهد نمود که بازار کاسیکه از سوء تفاهم می خواهند استفاده کنند از رواج می افتد و شما که برای حق و عدالت شمشیر از نیام کشیده اید و در ایران خود را طرفدار حق نشان داده اید صلاح نیست که غیر از این رو به دیگری اتخاذ فرمائید و مطمئن باشید که با تعقیب این رو به جامعه را شیفته خود خواهید کرد.

جناب آقای سفير!... من که بشما این عرایض را می کنم لازم نمی دانم که از کاریر سیاسی خود چیزی عرض کنم همیتقدر می توانم اظهار کنم که

در تمام دوره زندگی مصلحت ایران را با هر چیز نتوانستم عوض کنم و هیچ عاملی نتوانسته است مرا از صراط مستقیم منحرف کند از هر چیز صرف نظر کردم که بایجاد گریه بارزه کنم حبس و تبعید شده و حتی مواجه با مرگ گردیده ام و تمام این مشقات بعقاید راسخ من نتوانسته است خللی وارد کند من ایران را دوست می دارم همانطور یکه شما خاک اتحاد شوروی را دوست دارید. باور بفرمائید که آنچه تاکنون در مجلس گفته ام و هر قدمی که برداشته ام هیچ محرکی جز ایمان و علاقه ای که بکشور خود دارم نداشته ام. عقاید سیاسی خود را مخصوصاً در قسمت سیاست خارجی ایران در مجلس علناً بیان کرده ام و تکرار آن را در این جا زائدمی دانم و فقط می خواهم بشما اطمینان بدهم که آنچه در زمینه عقاید خود گفته ام ندای ایمان و صدای قلب من است و هر کس که بخواند در رویه من تاثیر کند فقط بایک عملی که بمعتقدات من تزد بک باشد می تواند مرا شیفته خود سازد.

و اما راجع بمعرفی شخصی که این جانب را از موافقت شما با فورمول نفت مطمئن ساخت و یکی از اعضای فراکسیون بوده است چون با و قول داده ام که نام او را نزد ثالثی افشاء نکنم از معرفی او بکسی که حامل پیغام بود خودداری کردم لیکن از خود شما نمی توانم پنهان کنم چون طرف قضیه هستید و او بنام شما توضیحاتی بمن داده است بنا بر این اگر یکی از کارکنان سفارت که آشنا بزبان فارسی یا فرانسه باشد بمن مراجعه کند او را معرفی خواهم کرد در خاتمه تمنا دارم که آن جناب احترامات فائده مرا قبول فرمائید.

امضای دکتر محمد مصدق

رسیدگی با اتهامات نمایندگان

در مجلس چهارده دودسته نماینده وجود داشت که تفاوت بارزی بین آنان بود: یکدسته معدود نماینده حقیقی مردم و از اغراض و منافع مادی برکنار و قصدشان از قبول نمایندگی خدمت به کشور و تأمین رفاه ملت بود و دسته دیگر که عده شان بیشتر و با خرج زیاد و کمک ژاندارم و نظامی و مساعدت سهیلی و تدبیر باین مقام رسیده بودند قبل از هر چیز در صدق انباشتن جیب خود بوده و با مقام دبایس و حیل راه استفاده برای خود ایجاد مینمودند.

آن روزها بواسطه جنگ جهانی بین نرخ دولتی و بازار آزاد (بازار سیاه) اجناس انحصاری: قند، شکر، چای، قماش، نخ، لاستیک و غیره ها تفاوت زیادی وجود داشت که گاهی از ده برابر تجاوز میکرد^(۱) و نمایندگان نفع طلب میتوانستند از مقام نمایندگی سوء استفاده کنند و سود سرشاری ببرند و چنانچه در راه وصول بمقصد وزیر یا اشخاص دیگری مانع بودند بنام مصالح کشور!؛ موجبات سقوطش را فراهم کنند.

افتضاح عملیات این دسته از نمایندگان در جرارد هر روز منعکس میشد و رسوائی آنان زیاتر در خاص و عام شده و کار بجائی رسیده بود که در خود مجلس زدو خوردی بین دوتن از نمایندگان^(۲) بوقوع پیوست و آنهایی که اهل استفاده نبودند خواستند از موقع استفاده و وسیله فراهم کنند که اعمال خلاف کلران روشن شود و آنها تحت تعقیب قرار بگیرند این بود که در جلسه بیست و هفتم دیماه ۱۳۲۳ آقای

(۱) - قیمت يك كيلو قند نرخ دولت بیست ریال و بیست بازار آزاد صد و پنجاه ریال بهای يك حلقه لاستیک انومبیل سواری ۳ هزار ریال و نرخ بازار آزاد سی هزار ریال همینطور قماش و سایر اجناس انحصاری

(۲) - مرحوم حسن مرآت اسفندیاری (مرآت السلطنه) نماینده سیرجان کرمان که از اشخاص صالح مجلس بود بگله داری نایب و بندر عباس که مقدار زیادی بقیه نخ به نرخ دولتی از وزارت بازرگانی و پسته و هنر دریافت کرده و در بازار آزاد فروخته بود در سرسرای مجلس شدیداً اعتراض کرد و زدو خوردی بین آنان بوقوع پیوست که منجر به مجروح شدن مرحوم اسفندیاری گردید.

طوسی طرح قانونی زیر را برای انتخاب يك کمیسیون پنج نفری که به اتهامات نمایندگان رسیدگی کنند بمجلس تقدیم و چنین اظهار نمود (قبل از مذاکرات مجلس شماره ۱۳۵۰ ص ۱۷۳۳)

بنده پیشنهاد کردم که این طرح در درجه اول جزء دستور مجلس گذارده شود اجازه بدهید که این طرح را بعنوان بند رأی گرفته شود (بعضی از نمایندگان - مامی ندارد بخوانید).

طرح آقای طوسی

(طرح تقدیمی بوسیله آقای طوسی شرح ذیل قرائت شد)

ریاست مجلس شورای ملی ۱

بمناسبت شایعات و انتشاراتی که چندینست در جراند بعمل میآید این پیشنهاد را تقدیم وبا قید دو فوریت تصویب آنرا درخواست میکنیم.

تصمیم - نظرباینکه شایعاتی دائر بسدخاله بعضی از نمایندگان مجلس شورای ملی دوبرخی از معاملات راجع به کالا های انحصاری و اقدام برای تحصیل اجازه ورود پاره اجناس و سوء استفاده از مقام خود بمتنظور انتفاع مادی در جراند انتشار مییابد و نظربلنروم تحقیقات در اطراف شایعات و اتخاذ تصمیم شایسته نسبت بکسانیکه در صورت ثبوت شایعات مزبور مسئول و مستحق تعقیب خواهند بود از این روی مجلس شورای ملی طبق اصل ۳۳ منضم قانون اساسی کمیسیونی از پنج نفر نمایندگان بانتخاب مجلس تشکیل و مأمور می-کند که تحقیقات جامع الاطرافی بعمل آورده و گزارش لازم را از تاریخ اتخاذ تصمیم در ظرف یکماه بمجلس شورای ملی تقدیم نماید. دولت مکلف است کلیه اسناد و اطلاعات و وسائل تحقیق را در اختیار کمیسیون بگذارد. فرمانفرمایان - شریعت زاده - حوالت آبادی - مهندس فریور - فیروز آبادی - هاشمی - افخمی - طوسی - ایرج اسکندری - اسکندری - یمن اسفندیاری - صادقی - تفتالاسلامی - مظفرزاده - تیموری - دکتر معظمی - ریگی - آشتیانی - مؤید تاشی - تیور تاش - صدریه - مرآت اسفندیاری - هزت الله یات - امینی - جمال امامی - دکتر مجتهدی - رضا حکمت - دکتر مصدق.

آقای دکتر مصدق مخصوصاً دوامضاء فرموده اند اجازه میفرمائید راجع بهین موضوع دوسه کلمه عرض کنم. البته بر بنده و هر شنونده ناگوار است خیلی هم ناگوار است بلکه بدترین فحشها است

توضیحات آقای طوسی در باره لزوم تصویب طرح

که گفته شود یا نوشته شود که نماینده مجلس، وکیل ملت آن کسی که مدعی است ملت، جامعه کشور در سایه اراده و عمل باید براه راست هدایت شود خود آلود گیهائی داشته باشد، آن کسی که بزرگترین و سنگین ترین بار مسئولیت و کالت را میخواهد بدوش خود بگیرد در درجه اول باید ازهر آلودگی مبرا باشد یعنی اعمالش طوری باشد که هیچ نسبتی باونقصید طبیعی که باشد خودش زرد روی - از او داروی سرخ روئی مجوی - صدق گفتار و حسن کردارش را جامعه ملت افراد کشور قضاوت کنند و عیلا بجهمانده که یگانه جاده مستقیم برای تأمین سعادت کشور و سعادت موکل منحصرأ صحت عمل است اول دامن خودش را از هر نوع

آلودگی نیز نگاه دارد تا بتواند سرمشق دیگران باشد و نصایح و اقداماتش مفید و مؤثر و قابل قبول باشد چطور ممکن و شایسته است به نمایندگی یک چنین نسبتی داده شود که خود او و دیگران و حتی موکلینش سرافکننده باشند. بنده در پیروی از مشورات همکاران محترم عقیده دارم اگر خدای نخواست یک نفری بنام نمایندگی وجود داشته باشد که مستوجب نسبت زشتی بشود باینجه دست بدست هم داده از پله های بلند مجلس سرنگوش کنند بهین دلایل یک

دنیا مشرف هستم که موقع خوبی بدست آمد از این خواب سنگین سهمگین بیدار شدیم و بخود آمدیم که برای آبروی مجلس و کشور چاره بیندیشیم و بهترین چاره تسویب فوری همین طرح است و باید اصلاحات حقیقی از همین جا شروع شود. بنده که یک نفر از امضاء کنندگان این طرح هستم بامضاء

خودم بیش از قیمت جانم ارزش میدهم و مخصوصاً برای اینکه بیشتر استقلال فکری خودم را حفظ کنم با این اراده از عضویت فراکسیون مین هم برکنار و بهیچ فرد و اجتماع و حزب و دسته ای انتساب ندارم - هر فکر و عمل خوبی را پیروی میکنم و از آنچه مخالف سلیقه و عقیده ام تشخیص دادم جداً احتراز و مبارزه خواهم کرد.



مرحوم مرآت السلطنة امینداری
اماچنده بیرجان در مجلس ۱۴



آقای آله داری نماینده بندر عباس
در مجلس ۱۴

رجوع شود پیاورقی شماره ۳ صفحه ۳۵۰

در اینجا بخودم حق میدهم و از مجلس شورای ملی اجازه میخواهم بنام قدمت همکاری که با آقایان ارباب جراید دارم از بعضی آنها گله کنم که شایسته نیست بهر رسموعی اعتنا کنند اگر اطلاع مستقیمی بدست آورند صریحاً و با همان شجاعتی که در خور مقام بلند روزنامه نگاری و هدایت افکار است اصل عمل را بانام و نشان و معرفی شخص بنویسند و تنقید کنند اینک یک سره نمایندگان و مجلس را بغیر آنچه هستند بیاد اعتراض بگیرند، آنچه مخالف صراحت لهجه باشد دلیل این است که طرفدار گل آلود کردن آب و ماهی گرفتن خواهند بود. نکته دیگری را هم که دیروز در حضور جمعی از آقایان عرض کردم در این جا تکرار میکنم البته هر مرد پاک و درست کرداری طبعاً دارای شهامت است از آقای بیات نخست وزیر انتظار دارم از وزراء و وزارتخانهها تحقیق عمیق بفرماید از چندی باینطرف چه عملیاتی و راجع چه اشخاصی در آنجا ها انجام شده و تشریف بیاورند پشت تریبون صاف و صریح بفرمایند تا حقایق زودتر و بهتر روشن شود و کمک بزرگی در کار این طرح کرده باشد. عقیده بنده این است هر کس و هر دولت و هر روزیری اینطور شهامت بخرج داد قابل ستایش و تقدیر است و باید مجلس شورای ملی همه قسم پشتیبانی از او بکنند و این نام نیک تا ابد برای

نظر آقای دکتر مصدق

ذو باقی بنامد معلوم است وزیر عووض شده ، دولت تغییر کرده ولی سوابق و فعل و انفعالاتی که در وزارتخانه شده بکلی محو نشده و بیضوی آشکار است . عرض این تذکر را هم لازم دیدم و استعفا میکنم به دو فوریت این طرح فوری رای گرفته شود و افراد کمیسیون که باید معین شوند انتخاب بشوند و از همین امروز مشغول انجام وظیفه بشوند .

پس از مختصر مذاکرات دیگر نماینده اول تهران نیز بعنوان توضیح در پیشنهاد خود راجع باینکه کمیسیون رسیدگی بتواند برای کمک هر يك از کارمندان دولت را که بخواهد دعوت نماید بیانات ذیل را نمود که از صفحه ۱۷۴۷ همان شماره نقل میشود :

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر مصدق :

پیشنهاد میکنم که اضافه شود اعضاء کمیسیون می تواند برای کمک خود هر يك از کارمندان دولت را دعوت نمایند .

رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - بنده میخواهم عرض کنم که تا مجلس درست نشود دولت درست نمیشود و هیچ ممکن نیست برای اینکه خود بنده در دوره چهارم وزیر مالیه بودم یکی از مأمورین مالیه که بنده حالا نمیخواهم اسم ببرم از محل مأموریت خودش از صندوق دولت پانزده هزار تومان ملك خرید .

حاذقی - حالا هم سرکار است آقای دکتر ؟

دکتر مصدق - ... آقا اجازه بدهید عرض کنم بعد که حساب این را رسیدگی کردند قریب نود هزار تومان باقی آورد . بکمیسیون محاسباتی که آنجا بود گفتیم که حساب این شخص را طوری بر آورد کنند که ما بتوانیم بگیریم و جمعاً سی و هشت هزار تومان بدستکار شد .

بنده برای این که بتوانم تعقیب بکنم يك سلب مصونیتی از مجلس دوره چهارم خواستم آقایان تصدیق می کنند که وضعیت و اخلاق امروز ما از دوره چهارم بدتر شده و بهتر نشده (صحیح است) در دوره چهارم تقنینیه وقتی که بنده سلب مصونیت آن و کیل را از مجلس درخواست کردم برخاستند گفتند آقای وزیر مالیه شبایك ظرف از لجن پر کرده اید و می خواهید سرو کلا بیاشید ؟ بنده گفتم که وزارت و کار را قبول نمیکنم و همان شد که دولت استعفا کرد و آن کابینه رفت . پس اول باید مجلس اصلاح شود مجلس شورای ملی وقتی اصلاح شد دولت خوب می آورد مجلس بد که نمی تواند دولت خوب بیاورد . شما هر کس را که بیاورید وقتی که مجلس بد باشد پانزده روز که سرکار بود با رای عدم اعتماد از بین خواهد رفت باید يك کاری بکنیم که مجلس شورای ملی خوب بشود وقتی که مجلس شورای ملی خوب شد آن وقت مملکت فرین سعادت خواهد شد این نظر بنده است و بعد میخواهم عرض کنم که این شکارچی هایی که میروند شکار اگر شکار دم تیرشان آمدوزندند که زدند اگر نزدند شکار قایم میشود اگر امروز این کمیسیون را انتخاب نکنند هیچ کار نخواهد شد ، بنده برای اینکه آقایان متذکر باشند نفر از آقایان نمایندگان راهینطور نوشتم حالا این را هم عرض میکنم که این کمیسیون پنج نفری را انتخاب فرمایند و خیلی هم در پیشنهاد اصرار فرمایند که اینکار تمام شود والا بعد ممکن نخواهد شد وقتی که این

هیئت انتخاب شد اگر در ضمن کار نواقصی برای خودش دید به مجلس پیشنهاد میکند تاریخ شود، اشخاصی را که بنده پیشنهاد کردم عبارتند از آقایان: امیر تیمور - مهندس فریور - دکتر معظی - ایرج اسکندری - شهاب فردوسی - مظفر زاده - امامی - طوسی - صادقی - هاشمی - این ده نفر را بنده نوشته ام پنج نفر از این ده نفر را هر کدام صلاح می دانید انتخاب بکنید تا ما بگوئیم مجلس چهاردهم خواست خودش را اصلاح بکند و اگر موفق نشود تصمیم مجلس نباشد.

یکی از نمایندگان - آقا راجع به پیشنهادتان چیزی فرمودید ؟
دکتر مصدق - بلی در پیشنهاد خودم هم خواستم عرض بکنم بنده قائم که هیئت مرید از کارمندان دولت را که میخواهد به کمک خودش دعوت بکند وقتی که توانست، نظر بنده موفق میشود.

یکی از نمایندگان - پیشنهاد مجدداً خوانده شود.
(پیشنهاد آقای دکتر مصدق بشرح سابق قرائت شد)

بهر حال مجلس چهاردهم تشکیل کمیسیون پنج نفری را تصویب و کمیسیون نیز شروع بکار را اعلام نمود ولی کمیسیون نتوانست و یا نتوانست حتی گزارش یکی دو فقره از اتهامات را که رسیدگی کرده بود بمجلس تقدیم کند و بالا اقل یکی از اعضای کمیسیون آنرا بمعرض افکار عمومی بگذارد اینک عین تصمیم قانونی مجلس راجع به کمیسیون پنج نفری :

تصمیم قانونی راجع بتشکیل کمیسیون پنج نفری

برای تحویل و رسیدگی بشایعاتی که نسبت به بعضی از نمایندگان میدهد.

نظر باینکه شایعاتی دائر بمداخله بعضی از نمایندگان مجلس شورای ملی در برخی از معاملات راجع به کالا های انحصاری و اقدام برای تحصیل اجازه ورود پاره اجناس و غیره، سوء استفاده از مقام خود بمنظور انتفاع مادی درجراید انتشار مییابد و نظر بلزوم تحقیقات در اطراف شایعات و اتخاذ تصمیم شایسته نسبت بکسانی که در صورت ثبوت شایعات مزبور مسئول و مستحق تعقیب خواهند بود.

مجلس شورای ملی طبق اصل ۳۳ از متمم قانون اساسی کمیسینی از ۵ نفر از نمایندگان بانتخاب مجلس تشکیل و مأمور میکند که تحقیقات جامع الاطرافی بعمل آورده و گزارش لازم را از تاریخ اتخاذ این تصمیم در ظرف یکماه بمجلس شورای ملی تقدیم نماید.

۱ - اعضای کمیسیون پنج نفری که در طی دو جلسه با رأی مجلس انتخاب شدند عبارت بودند از: سردار فاخر حکمت - ممبر فرهنگ - نبوی - هاشمی - ملک مدنی.

دولت مکلف است کلیه اسناد و اطلاعات و وسایل تحقیق را در اختیار کمیسیون بگذارد. تبصره - مورد اتهام منحصر باجناس انحصاری نبوده و بهر اتهامی که مبنی بر سوء استفاده مادی است رسیدگی شود.

تصمیم قانونی بالا در جلسه بیست و هفتم دهم پانزدهم اردیبهشت و بیست و سه به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است.

رئیس مجلس [شورای ملی -

سید محمد صادق طباطبائی

سمت چپ آقای سردار فاضل حکمت نماینده خیرآذر در مجلس ۱۴ (رئیس کمیسیون رسیدگی با اتهامات نمایندگان)



استقلال مالی دانشگاه

از کارهای خوبی که مجلس چهارده نمود تأیید استقلال مالی دانشگاه بود و این عمل که بنا به پیشنهاد دکتر مصدق صورت گرفت برای توسعه دانشگاه فوق العاده ضرورت داشت.

توضیح آنکه طبق ماده ۷ قانون تأسیس دانشگاه^(۱) استقلال مالی دانشگاه پیش بینی شده ولی مورد اجرا قرار نگرفته بود و باین جهت اولیاء دانشگاه برای تهیه احتیاجات خود مخصوصاً احتیاجات علمی و فنی که اکثر جنبه فوری و سریع دارد گرفتار مشکلات ناشیه از تشریفات و مقررات اداری میشدند و کمتر موفق به تحصیل احتیاجات خود میگرددیدند و مأمورین وزارت دارائی بواسطه عدم آشنائی کامل با امور علمی و فنی غالباً اشیاء ضروری دانشگاه را غیر لازم تشخیص میدادند و از تهیه و خرید آنها جلوگیری و یا دچار پیچ و خمهای تشریفات اداری مینمودند که بر فرض واقعتاً چون بموقع بدست نیامد مورد استفاده نمیشد بهمین جهت دکتر مصدق که در موارد مختلفه علاقه خود را بدانشگاه یعنی مهد تربیت جوانان کشور نشان داده در جلسه سوم بهمن ۱۳۲۳ هنگام طرح گزارش کمیسیون بودجه راجع بمتنم قانون سه دوازدهم تبصره مذکور را پیشنهاد نمود و توضیحاتی داد که از مجله مذاکرات مجلس شماره ۱۲۵۳ صفحه ۱۸۱۵ مورخ سوم بهمن ماه ۱۳۲۳ نقل میشود:

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر مصدق قرائت میشود:

تبصره چهارم - دانشگاه مجاز است کلیه هزینه های علمی و فنی مربوط بدانشگاهها را در حدود اعتبارات مصوب مجلس شورای ملی طبق مصوب شورای دانشگاه که اختیار جرح و تعدیل در مواد مربوط را نیز خواهد داشت مستقیماً انجام داده صورت حساب خود را بوزارت دارائی ارسال دارد.

(۱) ماده هفت قانون تأسیس دانشگاه بدین قرار است: «دانشگاه دارائی شخصیت حقوقی مییابد و نمایندگی آن بعهده رئیس است و از لحاظ اداری و مالی دانشگاه مستقل و تحت مسئولیت مستقیم وزیر صارف خواهد بود.»

رئیس - آقای دکتر مصدق .

دکتر مصدق - يك اعتباراتی در بودجه وزارت فرهنگ هست که مربوط بدانستگاه است در این چند سال این اعتبارات تابع قانون معاسیات عمومی بوده است یعنی هر وقت برای دانشگاه يك احتیاجاتی بوده است دانشگاه بوزارت دارائی پیشنهاد میکرده است و يك اشخاصی که هیچ صلاحیت رسیدگی باین احتیاجات نداشته اند رسیدگی میکرده اند و اشکالی ایجاد میشده است در صورتیکه شخصی تپه بطنی لوازم دانشگاه از سلامت خود دانشگاه است و در این سنوات يك دخالتهایی کرده اند ، يك چیزهایی گفته اند که اساساً موضوع دانشگاه از بین رفته است - فرض فرمایید دانشگاه کتاب خواسته است مأمور وزارت دارائی گفته است دانشگاه کتاب لازم ندارد این حقیقت خیلی بد است که يك اعتباراتی برای دانشگاه باشد و يك دستگاہی باین مخارج در این ملکیت تأسیس بشود و لسی بجات يك اشکالاتی احتیاجی که دانشگاه دارد تپه نشود و اعتباری هم که دارد صرفه جویی بشود در صورتیکه دانشگاه باید استقلال داشته باشد و باید خودش بتواند وسائل کار خودش را فراهم کند - دانشگاه در همه جا استقلال مالی دارد و ماده ۷ قانون تأسیس دانشگاه هم این مسئله را تأیید میکند ولی مناسبانه در این ملکیت تاکنون اجرا نشده است دانشگاهی که نتواند وسائل کارش را فراهم کند مثل يك نویسنده میباشد که نوشت افزار نداشته باشد باید وسائلی در دست داشته باشد که بتواند کار خودش را بکند و از اعتباراتی که دارد استفاده کند این است که بنده استدعا میکنم آقای وزیر دارائی و آقای منیر کیبون باین پیشنهاد موافقت فرمایند که دانشگاه از این اعتبارات خودش بتواند هر کاری را که مقتضی میدانند بکند و حساب این مخارج را بوزارت دارائی رد کند - اگریناشد که مجلس شورای ملی به دانشگاهی که مرکب از هیجده نفر استناد است و مرکب از اشخاصی است که مرئی رجال این ملکیت هستند، از اشخاصی که روزگاری امید این ملکیت هستند اعتماد نکند و يك مفتش وزارت دارائی اعتماد کد حقیقتاً آمیدی از این دانشگاه نبشود داشت و هیچوقت کارهای آن درست نخواهد شد و بنده استدعا میکنم آقایان موافقت فرمایند که این پیشنهاد بنده تصویب شود تا انشاء الله دانشگاه بتواند آن وظایفی را که دارد انجام بدهد .

بعد از این نطق با وجود مخالفت بعضی از نمایندگان دولت پیشنهاد ناطق را

قبول نمود و « استقلال مالی دانشگاه » که ضرورت آن مسلم بود تأیید شد .

بازداشت شدگان سیاسی در زندان متفقین

یکی از مسائل مهمی که مجلس چهارده با آن مواجه گردید موضوع توقیف عدلای از هموطنان بود که قبل از تشکیل مجلس ۱۴ بنا برخواست مقامات نظامی و سیاسی متفقین انجام شده بود.

بازداشت شدگان که غالباً از مستخدمین عالی‌مقام دولت بودند و مردم اکثر آنها را بدرستی و خدمتگذاری می‌شناختند از شهریور ۱۳۲۲ (در زمان حکومت سپهلی) بدون ذکر علت بازداشتگاه متفقین فرستاده شدند و چون اقدام موثری از طرف کابینه سپهلی و بعد کابینه ساعد بعمل نیامد مقامات متفقین در آزاد نمودن آنان مسامحه مینمودند و بدون اینکه علت بازداشت گفته شود آنها را بلا تکلیف در بازداشتگاه‌های اراک یا تهران نگاهداشته بودند.

در اواسط سال ۱۳۲۲ سه نفر از بازداشت شدگان که از طول بازداشت و پریشان حالی متأذی گردیده بودند از زندان فرار و بمجلس شورای ملی پناهنده شدند که مجلس تحصن آنان را صلاح ندانست و آنها مجدداً خود را به مقامات متفقین معرفی نمودند^(۱) این عمل مردم را بیش از پیش بوضع ناگوار زندانیان سیاسی منوجه ساخت و چون محیط مجلس برای بحث در این مورد آماده شده بود نماینده اول تهران از موقع استفاده نمود و بعنوان سؤال از وزیر خارجه در جلسه مورخ ۱۲ بهمن ۱۳۲۳ نطق خود را ایراد نمود و عمل متفقین را که برخلاف قرارداد و عهدنامه فیما بین بود و حق حاکمیت ایران را تقص مینمود تمییح و دولت را موظف نمود که نسبت باستخلاص زندانیان اقدامات موثری نزد مقامات متفقین بنماید اینک متن نطق دکتر مصدق و جواب آقای انتظام وزیر خارجه و توضیحات مجدد نماینده اول

۱ - این سه نفر عبارت بودند از آقایان فلامرخا عباسی و سروان حبتی و نورالله لارودی

تهران برای اطلاع خوانندگان محترم از مذاکرات مجلس شماره ۱۳۵۷ صفحه ۱۸۹۶ بیست و یکم بهمن ماه ۱۳۲۳ نقل میشود :

راجع بجمعی از هموطنان که از شهریور ۱۳۲۲ بعد بازداشت و تسلیم مقامات نظامی متفقین شده اند وعده ای از آنها را هم نظامیان انگلیس مستقیماً دستگیر کرده بودند. اینجانب از زمانی که

بیانات دکتر مصدق راجع بر زندانیان سیاسی

بشاید کمی مجلس انتخاب و دخیل در سیاست مملکت شده ام تکلیف خود را دانسته و میدانم که باید با اقتضای مسئولیتی که در پیشگاه ملت و افکار عمومی دارم اقدام مقتضی در جبران این پیش آمد اسف انگیز که منافعی حق حاکمیت ایران است بعمل آورم لذا قبل از تشکیل مجلس نظر مقامات مربوطه را بلزوم خانیه دادن باین جریان ناگوار جلب کرده و راه حل موثری هم در نظر گرفته شد که متأسفانه با عدم ابراز حسن نیت از طرف نخست وزیر وقت عظیم ماند. بعد از تشکیل مجلس هم اقدامات خود را تعقیب کرده من جمله از آقای ساعدخواستم رونوشتی از بر تکلی که مدرک این بازداشت‌های غیر قانونی است بدهند تا بتوانم اعتراضات خود را در مورد این سندی که خلاف حق حاکمیت و استقلال مملکت تنظیم شده بگویم ایشان از دادن رونوشت امتناع کرده فقط حاضر بودند در صورتیکه تعهد نمایم آنرا با قید محرمانه بگیریم ارائه بدهند و من چنین تعهدی نمیتوانستم بکنم در عین حال مأمورین صلاحیت دار این جانب را بسکوت و انتظار نتیجه اقدامات وزارت امور خارجه تشویق و مسرا از احتمال سوء تأثیر نطق در مذاکرات و تمویق استخلاص بازداشت شدگان بر حذر می نمودند باین لحاظ علی رغم تأثرات باطنی و برخلاف میل قلبی دم فرو بسته و منتظر نتیجه اقدام دولت بودم تا اینکه فرارسه نگر از بازداشت شدگان و تعصن آنها در مجلس پیش آمد اظهار آنان این بود که طول بازداشت غیر قانونی و بلا تکلیفی و پریشانی عائله بازداشت شدگان و نبودن فریاد رس آنها را ناچار کرده است که بنمایند گمان ملت پناه آورده داد خواهی بکنند !! بخاطریم رسید وقتی که در سال ۱۳۱۹ مأمورین شهر بانی برای بازداشت من آمدند چون امر دولت را مطاع میدانم فوراً تمکین کردم و انتظار داشتم که اگر گزارش های خلاف واقعی بر علیه من داده شده رسیدگی و روشن شود ولی بعد از توقف چند روز در زندان مر کزی که معلوم شد اصلاً رسیدگی در کار نیست و مقصودشان آزار من است غاصی- شدم و روزی که میخواستند مرا بزندانبیر چند بیرنده مقاومت کردم و در اطاق رئیس زندان با اشاره بجس شاه سابق این شعر را خواندم : ای زبر دست زبر دست آزار ، گرم تا کی یساند این بازار . باری وقتی که نتیجه پناه آوردن این چند نفر بمجلس این شد که مأمورین دولت آنان را با استعمال قوه نظامی بیازداشتگاه برگردانند بدون اینکه بداد خواهی آنها توجهی بشود بی اندازه متأثر شدم و تشخیم دادم که سکوت بیش از این جایز نیست و خیانت است چه نظر من این بود که از اخلال بقدا کرات بین دولت و مقامات متفقین احتراز کنم اما اگر بنا باشد بر اثر بی علاقگی یا بی کفایتی دولت يك وضعیت ناھنجاری که با هیچیک از موازین حقوق بین الملل وفق نمیکند و بر اثر علاقه نخست وزیری ببقام خود بر دولت تحمیل شده ادامه پیدا کند و ما ساکت بنشینیم و تماشا کنیم که هر چند ماه یکمرتبه فرماندهان متفقین بر اثر عجز و العاج عائله باز داشت شدگان بحال آنها رحم کرده چند تن از آنان را رها کنند و دولت ما جرأت نداشته باشد حقوق ما را حفظ کرده روابط

سوال آقای دکتر مصدق
 همکاری ما را با متفقین لاف‌بازان باهمان قرار داد اتحادی که خودشان برای مشروع کردن توقف ارتش خود در این منکبت بنا تکلیف کردند تطبیق نباید دیگر فاتحه همه چیز را باید خواند. اینک سؤال من: ۱- با اینکه کشور ایران از نقطه نظر مقررات حقوق بین‌الملل کشور اشغال شده محسوب نیست و روابط ما با متفقین بر اساس یک قراردادی مستقر گردیده که بموجب آن ما برای پیشرفت مقاصد جنگی متفقین تمام وسایل زندگی خود را با اختیار متفقین گذاشته ایم و تن به هر نوع فداکاری و محرومیت‌ها داده ایم و متفقین متعهد شده‌اند که استقلال و حاکمیت ما را محترم بشمارند و در امور داخلی ما مداخله نکنند علت اینکه بر خلاف استقلال قضایی ما دولت جمعی از ایرانیان را بدون هیچگونه مجوز قانونی بازداشت کرده و تسلیم مأمورین ارتش متفقین نموده چیست؟

۲- پرتکل‌هایی که راجع به تسلیم اتباع ایرانی به مأمورین بیگانه و نگاهداری آنها در بازداشتگاه خارجی در خاک ایران امضا شده با کدام یک از مقررات حقوق بین‌المللی که شامل ممالک مستقل میشود موافقت دارد و این سند های شکن را کسی از اعتبار خواهد انداخت؟

۳- اعمال منتسب به بازداشت شدگان مشمول کدام یک از مواد قوانین جزائی کشور است و علت اینکه اصل دهم متمم قانون اساسی نقض شده و اتهامشان در مدت قانونی یا آنان اعلام نشده است چیست؟

۴- در بین بازداشت شدگان عده ای از مستخدمین دولت هستند بخصوص چند نفر قضات که طبق قوانین مملکتی مصونیت قضایی دارند و حتی مستعطفین صلاحیت دار بدون سلب مصونیت بموجب قرار دادگاه انتظامی حق بازداشت آنان را ندارند و از طرف دیگر مستخدمین دولت عموماً که مورد تعقیب واقع میشوند مادام که ادعاینامه قانونی از مقام صلاحیت دار قضایی بر علیه آنان صادر نشده از خدمت معلق نیستند علت اینکه حقوق عده ای از آنان را نمی‌دهند و هائله بی گناه آنها را گرفتار بریشانی معاش کرده‌اند چیست؟

۵- آیا می‌توانیم امیدوار باشیم که دولت فعلی با مذاکرات مؤثری سرچشمه توجه مقامات متفقین را فداکاری‌های ملت ایران جلب کرده و از آنها بشوایند پیاس احترام یک مملکتی که خودشان آنرا «پل پروزی» میخوانند بیش از این بدوام یک وضعیتی که با هیچ اصولی موافقت ندارد و از آن جز موهون کردن یک ملت متفق و فداکار نتیجه حاصل نمیشود رضایت ندهند فرضاً اگر درین این بازداشت شدگان افرادی باشند که قبل از ورود رسمی ایران در صف دول جنگجو دچار لغزش شده بانهیمیت از احساسات خود کرده باشند بعد از این مدت طولانی گرفتاری و آوارگی از آن اغماض و بقیه بازداشت شدگان را بالمره آزاد کرده و از این راه یک احترام و حق شناسی بواقع و بیجانی ملت ایران بنمایند.

بنده اگرچند روزی در عرض جواب تأخیر کردم باین امید بود که شاید از اقدامات و مذاکراتی که کرده ایم نتیجه ای که مطلوب نماینده محترم و مورد پسند مجلس شورای ملی باشد بدست بیآوریم

پاسخ آقای انتظام
 وزیر خارجه

ولی تصدیق میفرمایید در یک چنین امر مهمی چند روزه نتیجه حاصل نمیشود باین واسطه چایز ندانستم عرض جواب را پیش از این بتأخیر بیندازم. بنده نمیخواهم وارد جزئیات

اظهارات آقای دکتر مصدق بشوم ولی لازم است این نکته را عرض کنم که هیچک از دولتهای وقت از این پیش آمد خوشوقت نبودند و همه از اینکه عده ای از هموطنانشان که در بین آنها مستخدمین عالی مقامی هم بودند که بدروستی و خدمتگذاری شناخته شده اند و مورد سوء ظن واقع شده اند گرفتار شده اند متأثر بوده اند متأسفانه این موضوع را هم باید در نظر داشته باشیم که در زمان جنگ برای



يك دولت متفق این تمهید اخلاقی باقی است که اگر تصور يك خطری برای يك یا چند تن از متفقین خودش بکند هر قدر هم که کوچک و احتمالی باشد از هیچگونه اقدامی برای جلوگیری از آن مضایقه نکند. راجع بپرتکلی که اشاره فرمودند پرتکل بمعنای حقیقی کلمه وجود ندارد فقط در يك مراسلاتی که رد و بدل شده است راجع بشرايط و محل بازداشت مین شده است و در کلمه این مراسلات هم دولت متذکر شده است که این مواظقت بپیچوجه سابقه حقوقی و ملاک عمل برای آیتده نخواهد بود و موقت و محدود بزمان جنگ است، بنده تصور میکنم که هر دولتی که سرکار آمده است توجه نخست وزیر و وزیر امور خارجه اش مصروف باینکار بوده است که باین موضوع خاتمه بدهد، آنچه که مربوط بدولت کنونی است اطمینان داشته باشید که این تصور صورت قطع و یقین دارد برای اینکه از بسو تشکیل جناب آقای نخست وزیر و خود بنده در این باب بانمایندگان متفقین وارد مذاکره شدیم، دلایلی هم که داشتیم بآنها

آقای سید نصر الله نظام وزیر
امور خارجه در کابینه بیات

گفتیم آنها هم اشکالاتی که داشتند بیان کردند و این اقدامات ما هم بکلی بی نتیجه نماند چنانکه ملاحظه فرمودید در این دو ماه که از عمر دولت کنونی میگذرد متجاوز از بیست نفر از بازداشت شدگان رها شدند اینک هم بنده امیدوارم این تذکرات ما که با روح صمیمیت و مساعدت کامل در پیشرفت کار متفقین است در پیش متفقین مان مؤثر واقع شود و مخصوصاً در این ایام که جنگ رو بی پایان است و نیروی دلیر متفقین بزرگ ما بصورت برق آسالی در خاک دشمن یسرفت میکند و نور صلح و پیروزی را از دریچه فتوحات مشعشان ببا نشان میدهند اگر واقفاً بجایا بیجا تکرانی در بین بوده است و سوء ظنی متوجه بعضی از هموطنان ما بوده است بکلی مرتفع گردد و آن منظوری که آقا دارند حاصل شود.

نایب رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - بنده از جناب آقای وزیر امور خارجه خیلی متشکرم که بسؤال بنده توجه فرمودند و اقداماتی میخواهند بفرمایند که انشاء الله این کار بزودی حل شود و خاطر يك ملتی از این حیث راحت بشود ولی این که میفرمایند دولتها همیشه متأثر بوده اند من این مسئله را کاملاً تکذیب میکنم بجهت اینکه دولتها که متأثر باشند استغفا میکنند و میروند و حاضر نمیشوند و من یقین دارم اگر در این مملکت سه دولت برای يك کاری که

برخلاف مصالح سلطنت باشد استعفا بکنند ما همه چیز خودمان را که از دست داده ایم بدست خواهیم آورد (صحیح است) دولتها باید در عمل متأثر باشند نه در قلب، وقتی که من در قلب متأثر باشم ولی هیچ کاری انجام ندهم آن تأثر من هیچ فایده ندارد (صحیح است - بسیار صحیح است) و اما راجع باین قضیه قانون اساسی ما مقرراتش این است که هر کس را توقیف میکنند در ظرف بیست و چهار ساعت باید باو بگویند که بچه دلیل توقیف شده ای نسبت باین توقیف شدگان این را نکرده اند و یک عده را هم که چندین ماه نگاه داشتند و بعد مرخص کردند لااقل بآنها باید بگویند که آنها را بچه دلیل توقیف کرده اند اگر دلیل نداشت چرا چندین ماه آنها را نگاه داشتند اگر دلیل داشت چرا بدون معاکه آنها را مرخص کردند این است که بنده عرض میکنم اگر متفقین و دول مجاور که دوست ما هستند بآنچه که پیغمبر (ص) ما فرموده که «الملك یقی بالکفر ولا یقی مع الظلم» عقیده ندارند بایستی بحرفهای فلاسفه اروپائی عقیده داشته باشند که میگوید: «فاتهین حقیقی آنهایی هستند که عدالت طلبند و دیگران مثل سیلهائی هستند که در گذرند این عقیده دروس» است که میگوید:

Les veritables conquerants , sont ceux qui savent fair des lois;
les autres, sont comme les torrents qui passent.

متفقین ما که امروز از هر جیت به پیروزی رسیده اند دیگر آن نگرانیهایی که در اول جنگ داشتند ندارند، نگرانی های آنها این بود که در این سلطنت ستون پنجمی باشد حالا دیگر ستون پنجم کجا است متفقین ما شاید الان برلین هم رسیده باشند این است که از این جهت بنده استدعا میکنم جناب آقای وزیر امور خارجه توجه مقامات عالیه دول دوست و مجاور ما را جلب بکنند و بآنها عرض بکنند، حالی بکنند که ملت ایران همیشه دوست صمیمی و فداکار دول متفق خودش بوده و انتظار دارد در این موقع باین اشخاص کمال مساعدت را بفرمایند و هر چه زود تر این اشخاص را رها کنند بجهت اشخاصی که در زندان نرفته اند نمیدانند آنهایی که در زندان هستند چه صدماتی متحمل میشوند این ها بعضی هاشان بمن نوشته اند که همه چیز خودشان را از دست داده اند (صحیح است).

در خانمه این فصل بی مناسبت نمیدانند، اسامی

بعضی ملاحظات در باره
بازداشت شدگان

کسانی که بتوسط مقامات متفقین بازداشت گردیده اند

در این جا آورده شود تا خوانندگان ارجمند آنان را که قریب دو سال دچار شدیدیترین محرومیتها بوده اند بشناسند و این تاریخ کاملتر گردد لیکن قبل از شروع بذکر اسامی تذکر نکات ذیل لازم است:

۱ - مقامات متفقین دوبار بتوقیف دسته جمعی اشخاص و رجال ایرانی مبادرت

کردند: دفعه اول در سال ۱۳۲۱ که تعداد توقیف شدگان شصت تا ۸۰ نفر بود که از

آن جمله اند: آقایان سرلشکر زاهدی، سیوحی، فرزند آقای حاج میرزا عبدالقواعظ

آزادی عضو چاپخانه مجلس، نامدار، حساب: بریو و دفعه دوم در شهر بوره

۱۳۲۲ که تعداد توقیف شدگان ۱۶۴ نفر و از طبقات مختلفه بوده اند و بین آنان

چهار نفر از بانوان و يك طفل بوده است كه ما اسامی يك يك آنان را خواهیم نگاشت
 ۲ - محل بازداشت مدتی در خارج از شهرستان اراك و مدتی در محل بیمارستان
 یانصد تخت خوابی طهران بوده است - آقای سر لشکر زاهدی مدتی در خارج از ایران
 بازداشت بود پنج نفر از زندانیها كه از جمله آنان حضرت آیه الله كاشانی بود معترفه در محل
 جداگانه ای تحت نظر بودند و نیز پلرۀ از آنان در طی مدت توقیف برای اجرای تحقیقات
 بوسیله مأمورین شوروی موقتاً برشت اعزام میشدند

۳ - در انتخابات دوره چهاردهم طهران حضرت آیه الله كاشانی و آقای دکتر -
 متین دفتری كه از مدتی قبل از شروع انتخابات در بازداشت بودند آرای زیادی
 بدست آوردند بطوریکه آقای كاشانی نماینده چهارم تهران گردید و تعداد آرای آقای
 دکتر متین دفتری نیز نزدیک بدوازده نفر اولیه بود لکن بنا بدستور دولت سهیلی یا
 بر طبق تمایل مقامات متفقین از اعلام آن در رادیو و جراید خود داری گردید .

اینك اسامی بازداشت شدگان^(۱)

۱ - از طبقه رجال سیاسی و صاحب منصبان دولت : آقایان : دکتر متین دفتری
 دکتر سجادی - علی هیت - موسوی زاده - قیصرزاده مشایخ - دکتر رضا نور - دکتر
 محمود مشاور - دکتر نامدار - جواد بوشهری - مهندس فضل الله میرهادی - عباس
 باستانی - صالح علی زاده - لطیف جوانشیر - امیر شرفی بدر - یحیی ویزا - دکتر
 ناصر منشی - عباس مزدا - غلامرضا پھیانی - هادی سپهر - حبیب الله خیل ناش - مصطفی -
 مهندی - منوچهر قرزین - منصور اعلم - عزیز زنکنه - عباس و پشارد - زین العابدین
 منتظمی - نورالله لارودی - لطف الله زاهدی - شهاب السلطنه بختیاری - احتشام الدوله
 قره گزلو - خسرو اقبال - علی گل محمدی - علینقی فیض بخش - عبدالرحیم صدیقی -
 محمد سیاهانی - حسین زاهدی - دکتر رضی اسلامی - دکتر محمود شروین - عباس حکیم -
 معانی - دکتر آرداشس بابالیان - جهانگیر تفضلی - حسین نیونندی - معبد رضا خلعبری
 جواد علی آبادی - حسین قلی کاتبی - نصرت الله صوفی - بیوک فتحی - نبی کجوری روبانی
 خاپیک ملنکویان - حسن ابراهیم خانی - عبدالوهاب اقبال - سلطانعلی کلهر سیلاخوری -
 عبدالصمد قیہ - مهدی قاسم زاده - مانوک مارتین - ابراهیم سپهر - حمید مجتهدی -
 حسین مستشاری - منوچهر عدل - موسی تیموری پور - اکبر نراقی - جعفر فیض بخش -
 احمد شمائی - علی اکبر کمیلی - ابولحسن علومی - نادهلی مشگل گشا - جواد امینی -
 خوانساری - حسین نوری - سید معبد حسین دشتی - بهروز دشتی - سید آقا هاشمی -
 شاه ویس قاسمی - غلامرضای لیثوندی - سیف الله اردلان .

۴ - از کارمندان راه آهن : آقایان مهندس ناصح ناطق - مهندس جعفر شریفی -
 امامی - پاسیار عبدالله اشرفی - سرهنگ ولی انصاری - حسین رودکی - مهندس علاالدین -

(۱) - اسامی بازداشت شدگان طبق تحقیقاتی است كه از مطلعین بعمل آمده تـ

۳۱۲
 بیه‌اشامی بازداشت شدگان
 و کیلی - حبیب الله فتحی - محمد قلی نهرودی - حسین کلریز - علی انتظام وزیری -
 حسین هاشمی نژاد - دکتر رمضان - داود درجی - حسن مالکی - فردریک تالبرک - ناصر مستوفی
 ابوالقاسم بهزادی - حسین گورکانی - جواد فرخو - حسین نبوغریزی - محمد الهی - عباس -
 سلجوقی - هوشنگ سیمی - اسدالله فرزانه پور - محمود کلویانی - اسمعیل اشرف - ویلهلم
 فرانس - سهاک گرین فلد - آوانس گرین فلد - حسین محمدی - علی اصغر قزل ایاغ - محمد
 شیخی - کارول دولوهی - رضا زاهدی - عزت الله شهرابی - سرپهر ابراهیم فتحی - مسعود
 مصطفوی - رسدبان یک نجومی - رجیلی شاهورانی - اسمعیل شیردل - ویکتوریا کوب -
 حشمت الله حجازی - حسین ماهوتچی - محمود کتبانوش - حسین اسکومی - سید علی عالم -
 پور - جواد اخوان - حسین دهنداد - علینقی غفاری - جیدر قلی بهرودی - عزت الله سلیمی -
 خلیل وزیر نظامی -

۳ - از افسران ارتش : آقایان سرلشکر آق اولی - سرلشکر پورزند - سرتیپ
 کوپال - سرهنگ بقائی - سرهنگ اخگر - سرهنگ زنده دل - سرهنگ مهین - سرهنگ
 دولو - سرهنگ صادق فروهر - سرهنگ افطسی - سرهنگ مهدی قلی بهرامی - سرهنگ
 صفر علی انصاری - سرهنگ باتاقلیچ - سرهنگ حسین منوچهری - سرهنگ ۲ محمود
 جهان یگلو - سرهنگ ۲ حسین قائم مقامی - سرهنگ ۲ دکتر ابطعی - سرهنگ ۲
 تقی منتظمی - سرهنگ ۲ فریبون صولتی - سرگرد هایون - سرگرد ابوالقاسم جهان بیگلو
 سرگرد قاسم مظاهری - سرگرد همدیف اسمعیل صفاری - سروان گل محمدی - سروان
 احمد متینی - سروان عباس قیہ - سروان رضالوند پور - ستوان یک عبدالحمید مهاجر -
 ۴ - از یابوران شهر بانی : پاسیار یک مهدی عامری - یاور حسین سرتیپ پور
 کارگشا - نصرالله رخت - غلامرضا نظیری پور

۵ - از یازوان : بانوپیرایش - بانوداراب - بانو کالوسکی - بانو گرین فلد -
 جوانی گرین فلد (کودک)

این پنج نفر در محل های جداگانه زندانی اهرادی بوده اند :
 آیت الله کاشانی - نوبخت - اکبری - کاشفی - صدیق

آقایان نبی زاده و احمد شاملو نیز بازداشت شده بودند بدین ترتیب که اولی در الیکودور
 توقیف و بلهواز فرستاده شد و نومی در شهر بانی در تهران توقیف و برشت اعزام گردید
 طبق تحقیقات از اینجده پس از رفع بازداشت اشخاص ذیل فوت کرده اند :
 حسین نوری - شهاب السلطنه بغتیساری - رسدبان نجومی و نبی زاده (در حین
 بازداشت) .

اعلام جرم بر علیه سهیلی و تدین

انتخابات نمایندگان مجلس چهاردهم با نخست وزیری آقای سهیلی و وزارت کشور آقای سید محمد تدین تصادف نمود - این انتخابات در غالب نقاط کشور با طرزی تنگین و با مداخله علنی رئیس دولت و وزیر کشور و مقامات دیگر شروع و خاتمه پذیرفت - روی این اصل ملت ایران با اکثریت مجلس چهاردهم بدیده احترام نمی نگریست و افکار عمومی انتظار داشت که مسیبن تضییع حقوق جامعه تحت تعقیب و مجازات قرار گیرد تا در ادوار بعد این حق ملی از دستبرد مقامات داخلی و خارجی مصون بماند .

اساساً بعد از شهریور ۱۳۲۰ مردم انتظار داشتند که کلیه عاملین و مسببین حکومت بیست ساله و آنهایی که موجبات بدبختی و سیه روزی این ملت را فراهم کرده بودند بوسیله يك محکمه ملی محاکمه شده و بسزا و کیفر اعمال خائنانه خود برسند ولی این انتظار بجا نبود زیرا بعد از شهریور ۱۳۲۰ دستگاه سابق بحال خود باقی بود و از عوامل محرك آن فقط يك نفر کم شده بود و سایرین در جای خود بودند و همچنان بکار خود ادامه میدادند .

اگر مرحوم محمد علی فروغی گذاشته بود انتخابات مجلس سیزدهم تجدید شود و عناصر ملی و بقیة السیف رجال آزادیخواه قدیم در آن مجلس شرکت جویند بسیاری از آمال اصلاح طلبان انجام میگرفت و عاملین سیه روزی ایران بمجازات میرسیدند و کشور ما يك دوره تحول اساسی بخود میدید و فصل جدیدی در تاریخ ایران آغاز میشد لکن این کار نشد و یا نگذاشتند بشود و لذا صد يك آنچه در اثر جنگ جهانی میبایست از حکومت دموکراسی نصیب ما بشود و مورد انتظار عمومی بود نصیب ما نشد و حاصل نگردید .

دکتر مصدق در جلسه اول مجلس ۱۴ نشان داد که میخواهد با فساد و دزدی با تبه کلان و جنایتکاران و کسانی که بنام هیئت حاکمه و وزیر و نخست وزیر حقوق حقه مردم را از بین میبرند مبارزه کند ولی عده زیادی از نمایندگان نمی خواستند که او در این نیت پاک موفقیت حاصل کند با اینحال مابقی و نطق های دکتر مصدق در تعقیب

اعلام جرم بر علیه سبیلی و تدین

اعلام جرم دولت نسبت با آقای تدین و اعلام جرم‌های آقای « فرخ » نسبت به سبیلی و تدین ثابت نمود که افکار عمومی را نمیشود نادیده گرفت و در مجلسی مثل دوره چهارده میتوان عملی نمود و نتیجه گرفت که آمال و آرزوی ملت ایران برآورده شود -

آری مجلس چهارده پرونده‌های تدین و سبیلی را بدیوان کشور ارجاع نمود که با اتهامات آنها رسیدگی کنند. آفرین بر حسن تشخیص و وطن خواهی آن نمایندگان که در حفظ حقوق ملت خود داری نکرده و وظایف نمایندگی خود را انجام داده‌اند و لی افسوس که پس از دو سال که از ارجاع پرونده بدیوان کشور گذشت اکثریت اعضای آن دیوان کلیه اعلام جرم‌ها را مردود دانست و برائت تدین و سبیلی را از کلیه اتهامات اعلام کرد (!!) معهذا تدین و سبیلی در مقابل افکار عمومی محکوم و هیچ حکمی نمیتواند آنها را از آن آلودگی‌های مسلم بری و پاک کند.

اگر دستگاه پر عرض و طول عدالت ما نتوانست در مقابل باند قوی و متحد سبیلی و تدین مقاومت کند و دلالی که از روز روشن تر بود نا دیده بگیرد ملت ستمکش ایران که بقول دکتر مصدق دبدگانش از عدم مجازات خائنین سیاه شده سبیلی و تدین و نظایر او را برای همیشه محکوم و مسئول میدانند - اینک بترتیب تاریخ نطقها و اقدامات نماینده اول تهران را در تعقیب اعلام جرائم بر علیه تدین و سبیلی بنظر خوانندگان محترم میرسانیم:

گزارش کمیسیون دادگستری بمجلس شورای ملی (۱)

کمیسیون دادگستری پرونده اعلام جرم نسبت به آقای سید محمد تدین وزیر سابق خواربار را در موضوع «خواربار آذربایجان» تحت شور و رسیدگی قرارداد پس از چند جلسه مطالعه و مشاوره در پرونده چون رسیدگی کامل و دقیق در جلسه کمیسیون بواسطه تراکم اوراق پرونده مزبور مشکل بنظر میرسد لذا مقرر شد کمیسینی برای رسیدگی باین امر انتخاب شود که به پرونده امر و کلیه اوراق آن رسیدگی و خلاصه پرونده و نظریه خود را به کمیسیون تسلیم نمایند.

کمیسیون پرونده مزبور را تحت شور و رسیدگی قرارداد در نتیجه گزارش آنرا دائر بر عدم وقوع جرم از طرف آقای تدین و منع تعقیب ایشان بشرح پیوست بکمیسیون تسلیم نمودند - کمیسیون دادگستری در جلسه پنجم مهرماه ۱۳۲۳ گزارش مزبور را قرائت و پس از مذاکرات لازمه در اطراف قضیه و توضیحات اعضاء کمیسیون بالاخره بگزارش پیوست و منع تعقیب آقای سید محمد تدین رأی گرفته با کثرت تصویب و علیهذا گزارش را برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد.

پس از مذاکرات عمده‌ای از نمایندگان مخالف و موافق دکتر مصدق پیشنهاد نمود که گزارش نامبرده از دستور خارج شود و در توضیح پیشنهاد خود بیانات ذیل را نمود:

نظریه دکتر مصدق

من با هر هیتی که کار میکنم میل دارم که شان آن آن هیت همیشه باقی و برقرار و محفوظ بماند آن هیت نباید کاری بکند که بشویش بر بخورد (صحیح است) بنده کار بسیار غلطی میدانم که با آن اشخاصی که در این مملکت بدنامی معروفند، اشخاصی که در این مملکت کارهانی کرده اند که مستحق مجازات هستند برای اینگونه اشخاص قرار منع تعقیب صادر شود با این ترتیب دیگر شما برای دوره چهاردهم آبروی باقی نخواهید گذاشت - اشخاصی مثل تدین و سهیلی باید مجازات بشوند هیچکس نمی تواند بگوید که آنها بدون مجازات باقی بمانند شما يك کاری که ممکن است در کار

محکمه يك اثری داشته باشد امروز میخواهید صورت بدهید.

رفیع - بحکم محکمه بیخود اشخاص را مورد غرض قرار ندهید.

دکتر مصدق - بلی بحکم محکمه شما امروز میخواهید يك کاری در مجلس بکنید يك رأی بدهید که این رأی را بنده در حکم محاکم مؤثر میدانم این است که بنده پیشنهاد کردم از دستور خارج شود و اگر این مسئله در عدلیه محاکمه و معلوم شد که این اشخاص مرتکب جرمی شده اند در مجلس عمل خلاف منطقی نشده باشد و اگر نه هیچ اشکالی ندارد و همین تصور میکنم عدلیه هم این اشخاص را



آقای سید مهدی فرخ (مختصم السلطنه) نماینده زابل در مجلس ۱۴ گسیکه نسبت به سهیلی و تدین اعلام جرم کرد

محکوم نکند زیرا واقفاً یا این تغییر که اخیراً در عدلیه داده شده و آقای وزیر عدلیه تغییر دادند (۱) من تصور میکنم که کار عدلیه کاری نباشد که اسباب اطمینان باشد و ما مطمئن باشیم که اشخاصی که باید مجازات بشوند بمجازات برسند و من استدعا میکنم که مجلس چهارده کاری نکند که اسباب تک بشود. وزیر دادگستری (منصور السلطنه عدل) - عرض شود بنده اصولاً نمی‌بایستی دخالتی در این موضوع بکنم ولی چون صحبت‌هایی در اطرافش میشود بنده مجبورم عرایضی بکنم درمعاکم دادگستری بهیچوجه این گزارش که داده شده است و لوائیکه اشاره صریح یا ضمنی بیک اشخاص دیگری باشد ترتیب اثری داده نخواهد شد (صحیح است) معاکم دادگستری یک وظایفی دارد که قانون معین کرده است و شاید یک ایرانی هم که چغنی‌ها بگیرند این است که میگویند باز پرس در هر شخصی یک جرمی می‌بیند معمولاً وقتیکه باز پرس یک کسی را برای تحقیق جرم پیش خودش احضار میکنند او را قبلاً مجرم می‌بیند مگر آنکه آن متهم دلائلی بگوید بر برائت خودش (فرهودی - یعنی میفرمائید اصل مجرمیت است؟) خیر اصل « مجرمیت » نیست و بلکه « صحت عمل » است و لسی باز پرس از شدت احتیاط که مبدا یک مجرمی برای اینکه در نظر او اصل عدم مجرمیت است روی این اصل بری بشود بیشتر باو جنبه مجرم میدهند و او باید اقامه دلیل بکند که این اتهاماتی که باو وارد آورده اند صحیح نیست پس این مطلب و این گزارش تأثیری در نزد بازرس یا مدعی السوم که گفته میشود یا محکمه که رسیدگی میکند نخواهد کرد و بالاینکه آقای دکتر مصدق فرمودند با این تغییری که داده شده است آن روز بنده صراحتاً عرض کرده و حالا هم عرض میکنم با این هو و جنجالی که در روزنامه‌ها و در اطراف قضیه روی اغراض شخصی باینکار میدهند بنده اهیت نمی‌دهم و هیچ تأثیری هم در اینکار ندارد و هیچ منظوری در تئیر دادستان دیوان کیفر نبوده است جز اینکه دیوان کیفر بهتر بکار بیفتد و چرخهای او را که زنک زده بود بهتر بکار بیفتد و اگر یک مجرمینی باشند قیراز آفتابه دزد آنها هم دعوت بشوند و محکوم شوند که باعث عبرت دیگران بشود (صحیح است)

چطور نقشه سهیلی و تدین
از بین رفت؟

تدین و سهیلی هر دو می‌خواستند خود را از
اتهامات وارده بری کنند اولی سعی نمود که

اینکار در کمیسیون دادگستری بشود و بمقصود خود هم رسید - دومی میخواست که از مخالفین بیات نخست وزیر در مجلس استفاده کند و نخست وزیر شود و بواسطه رأی تمایل مجلس اعلام جرائمی که باو شده بود بی اثر کند - توضیح آنکه : کابینه بیات با رأی فراکسیون میهن و اتحاد ملی تشکیل شده بود و در موقع طرح برنامه نخست وزیر با دکتر مصدق مرافقت نمود که در ظرف ده روز تصمیم خود را نسبت به دکتر میلیسپو اتخاذ کند و بوعده خود هم وفا کرد لذا عده از نمایندگان از نظر سیاسی و انتقادات شخصی با دولت مخالف شده و آن عده هم که میخواستند سهیلی را

(۱) مقصود تغییر آقای میرعلایی دادستان دیوان کیفر بود که آقای عدل وزیر دادگستری بدون هیچگونه دلیل منطقی در حین رسبه کسی دادسرای دیوان کیفر بیضی پرونده‌های مهم او را منتقل کرده بود.

گفته سهرابی و تدین برای برافت نمود
 نخست وزیر کنند با آنها هم آهنگ شدند که برای جلوگیری از پیشرفت آنها دکتر
 مصدق در جلسه هشتم اسفندماه ۱۳۲۳ نطقی نمود که از مجله مذاکرات مجلس شماره
 ۱۵ صفحه نود و پنج نقل میشود :

بیانات قبل از دستور آقای دکتر مصدق

چند روز است وضعیت دولت بکفداری در مجلس
 خوب نیست بنده هم در فراکسیون ها و در جمعیتها
 وارد نیستم و اطلاعی چندان ندارم این است که
 میخواهم عرض کنم که ما امروز باید تکلیف دولت را
 معلوم کنیم (صحیح است) بجهت اینکه لوایح دولت که میباید به مجلس وقتیکه دولت در مجلس
 وضعیتش خوب نباشد لوایحش خوب نیگذرد. بعلاوه در روزنامه هاهم مینویسند که وضعیت
 دولت خوب نیست (صحیح است) این است که باید وضعیت دولت معلوم شود و این وضعیت
 وقتیکه در خارج منعکس بشود برای امنیت مملکت خوب نیست باید تکلیف دولت معلوم شود
 یعنی اگر دولت خوبست باید مطمئن باشد و کار بکند و اگر هم بد است بایستی دلایل بدیش
 گفته شود و برود. اگر کسی هم هست که میخواهد قائم مقام این دولت بشود او
 هم باید معلوم شود و ما هم بسنجیم و به یقینیم که آن کسیکه میآید نعم البدل است
 یا بشس البدل روی این زمینه بنده يك نظریاتی دارم که عرض می‌رسانم :

امروز میخواهم يك مسئله اساسی در مجلس طرح کنم که در آینده این کشور حائز
 کمال اهمیت است و از این عرایض مانند همیشه نظری غیر از منافع حیاتی مملکت ندارم و
 در این ایام تاریخی هیچ چیز جز غیر مملکت معرک من نشده و وضع تشنج مجلس که بنظر
 من عواقب خوبی ندارد بر من الزام میکند که حقایق را عرض نمایم .

مجلس شورای ملی که مطابق قانون اساسی باید مظهر حاکمیت ملی باشد اگر
 بناست مقدرات این مملکت را در دست داشته باشد و در این دریای متلاطم کشتی ما را بساحل
 نجات رساند باید قیافه خود را تغییر دهد و مشی خود را عوض نماید اگر قدری بخود بیاییم
 و متوجه بشویم که ما در روزهای زندگی میکنیم که پیشوایان ملل بزرگ دور هم جمع میشوند
 و تصمیمات بزرگی میگیرند و نقشه دنیا را میکشند و اگر درست تصور کنیم که ایران امروز
 در سیاست بین المللی چه موقعیتی احراز کرده و با کمترین غفلت مسکنست دچار مذلت و
 بدبختی شود ناچاریم که اعتراف کنیم امروز باید کاری بکنیم که مجلس مورد احترام باشد
 وزن داشته باشد، يك سیاست و رویه ثابت و روشنی اتخاذ کند تا بتواند از یکطرف افکار
 مشوش مردم را تسکین دهد و از طرف دیگر با قضایای مهم بین المللی که در پیش است با
 موقعیت مواجه شود .

اگر جلسه اول اسفند و آن صحبتهای ناگواری که در اینجا شد که نه صلاح گویند گانه
 بود و نه صلاح مملکت یکی دو بار دیگر تکرار شود برای این مجلس چیزی باقی نماند و
 يك چنین مجلسی قادر نخواهد بود زمام مملکت را در دست نگاهدارد و تاریخ این مملکت
 نام مجلس چهاردهم را همیشه بزشتی یاد خواهد کرد .

اگر میخواهیم که این تشنج ها دیگر پیش نیاید باید همگی اهم از آنهایی که منتسب
 يك دستجاتی هستند یا منفرد مانده اند برای اتحاد سیاست عمومی مجلس يك اصولی بین خود
 قبول کنند و بان ملتزم شوند و از آن تجاوز نمایند و از همه مهمتر رویه ایست که مجلس در
 انتصاب حکومت و پشتیبانی از آن و یا ساقط کردن يك حکومتی باید اتخاذ کند .

مهرقی علی سهیلی ۴۷۰

باید معلوم شود چرا يك حكومتی را مجلس میآورد و چرا او را کنار میگذارد؟ باید معلوم شود نخست وزیری که مجلس سلب اعتماد از او میکند چه کرده است؟ اگر گناهی کرده همه بدانند و دیگر او را بکار دعوت نمایند یعنی محال بشود که دوباره خطاکاران روی کار بیایند مثلاً باید معلوم شود که حکومت فعلی چه کار کرده کارهای او خوب بوده است یا بد.

آنهايي که نا راضي هستد علت عدم رضایتشان چیست؟ اگر بد کرده و باید ساقط شود بگوئیم کی را بجای او خواهیم آورد و آن کسی که میآید هم البدل است یا پس- البدل. اگر اعمال حکومت را ماخذ قرار ندهیم و از روی نظریات و تمایلات شخصی که غالباً یا مصالح عمومی وفق نیده کار کنیم هیچوقت نخواهیم توانست يك حکومت بسا دوام و خدمتگذاری داشته باشیم. من بدوات فعلی نظر بخط مشئی که اختیار کرده بودم رأی دادهام ولی البته موافقت من با این دولت کور کورانه نیست مادام که اعمالش مورد تصدیق من- است در موافقت باقی والا به مخالفین ملحق خواهم شد، از سیاست عمومی که تاکنون این کابینه تقیبه کرده عدم رضایت ندارم مخصوصاً از اینکه بوعده خود وفا نمود و اختیارات ایران بر باد ده دکتر میلیسیو را الفاء کرد (صحیح است) و بعد بخدمت این مرد که وجودش در این مملکت متضمن مضار مالی و سیاسی هر دو بود خاتمه داد (صحیح است) امتنان دارم ولی نسبت به بعضی انتقادات که اجباراً و یا اختیاراً در این دولت شده خوش بین نیستم و اگر جبران نکند نمیتوانم در موافقت باقی بمانم. اما قرض کنیم که این حکومت بدکار کرده و باید برود بدی های او را باید گفت که همه بفهمند و بعد يك شخص بهتری را در نظر گرفت و دولت را ساقط کرد نه اینکه در پس برده یا کسانی نزدیک شویم که جرئت نکنیم علناً اسمی از آنها ببریم و با کشکش هایی که از حیثیت و وزن مجلس میگذارد ایجاد بهران نمایم و يك وضعیتی پیش بیاید که عاقبت مقدرات مملکت در این وقت يك دست نماند شاید به ای سپرده شود.

آقایان هنوز یکسال نشده است که فشار افکار عمومی هنگام افتتاح این مجلس يك مرد مشغوری را رسوا و از زمامداری برکنار نمود و حتی رفقای او جرئت نکردند از او دفاع کنند و

مهرقی علی سهیلی

بجای اینکه او را بکیفرا اعمالش برسانند و امروز در گوشه زندان زیست کنند با و مجال میدهند که باز بفرز زمامداری بیفته و آخرین چوبه حراج را بزنند آقایان اگر تمام گناهان سهیلی را فراموش کنیم (اقبال - آقا چرا داخل شخصیات میشوند؟) (مهندس فریور - آقای اقبال اینجا مجلس است نمایندگان میتوانند وارد شخصیات بشوند بگذارید حرفشان را بزنند) (اقبال - نباید داخل شخصیات بشوند) (مهندس فریور - مجلس حق دارد وارد شخصیات شود) (صدای زنک رئیس)

نایب رئیس - آقای اقبال ساکت شوید همانطور که آقای دکتر مصدق فرمودند نباید رویه جلسه گذشته تکرار شود متأسفانه برخلاف آن هر جلسه ما مواجه با يك رویه قلط و بی سابقه میشویم که این برخلاف شئون ملی ما و برخلاف وظیفه نمایندگی ما است چرا مجلس را از هیبت میاندازید.

دکتر مصدق - یکی از گناهان او قابل اغماض نیست و آن لطمه ایست که بحیثیت این مجلس زده است متأسفانه انتقادات اولین مجلس دوره دموکراسی بدست این شخص

صورت گرفت و در این مجلس عده معتابیهی هستند که در ادوار سابق و حتی قبل از دیکتاتوری هم بوده اند و در این مجلس هستند کسانی که در محل های خود صاحب قوژند و یا هر وضعیتی ممکن است انتخاب شوند ولی «سهیلی» در انتخابات طوری عمل کردو دست بوسایل تنگبني زد و دخالت هائی نمود و حتی بموجب تلگرافاتى که مغایره کرده و کاشفین از انتشار آنها در این مجلس شرم کرده اند تلگرافاتش اینجاست آقای اقبال امن هم شرم دارم برای پیشرفت مقاصد خود نام ییگانان را بیان آورده و خلاصه طوری عمل کرده است که متأسفانه باین مجلس يك رنگی زده که اعتبار آن را متزلزل نموده و نتیجه این شده است که هر تصمیمی امروز این مجلس اتخاذ کند در خارج تعبیراتی میگردند و آن را يك تصمیم روی مصلحت ایران تلقی نمیکنند بلکه موجب سوء ظن می شود و طرف ذنبغ آن را تحریک و تلقین حریف خود مینندارد. اگر در انتخابات مجلس چهاردهم این دخالت های بی رویه نشده بود و مجلس ما این شهرت را نداشت امروز این زمزمه های خطرناک که وحدت و تمامیت کشور را تهدید میکند از اکناف مملکت شنیده نمیشد.

آقایان توجه فرمائید که مطبوعات مهم خارجه نامه منچستر گاردین راجع بما چه مینویسد: ایران را از نظر سیاست بین المللی همسایگان ما يك منطقه حساس

مقاله منچستر گاردین راجع بایران

میشمارد که برای صلح دنیا حائز کمال اهمیت است از مندرجات این روزنامه بخوبی برمیآید که بر اثر اتحاد سیاسی که بین همسایگان ما بسته شده نسبت بایران بین خود توافق منفی حاصل کرده اند و در عین حال پنهان نمیکنند که اگر یکی از طرفین خصوصیتی با دولت ما بکند و مداخله در اینجا داشته باشد موجب حسادت طرف دیگر و اسباب زحمت و تقار میشود و حتی صریحاً اعتراف مینمایند که میل دارند هیچ بایران کاری نداشته باشند لیکن میگویند وقتی میتوانند که هیچ بایران کاری نداشته باشند که ایران بتواند بر سرپای خود بایستد نهایت مدعی هستند که این معنی فقط با کمک مشترک آنها ممکن است صورت بگیرد.

آقایان محترم باین کلمات که نقل کردم درست دقت فرمائید، ما چگونه میتوانیم به همسایگان خود بجهانیم که روی پای خود می ایستیم آبا غیر از این چاره ای داریم که دولتی روی کار بیاید که تمام معنی ایرانی

چگونه دولتی باید روی کار بیاید

و بیطرف باشد و نسبت به همسایگان بيك چشم نگاه کند و از هر عملی که ایجاد حسادت و قارین آن ها بکند جداً پرهیزد و دولتی باشد که در سیاست خارجی صداقت و امانت را شعار و سرمایه معنوی خود قرار دهد و رویه مجلس هم طوری باشد که يك چنین دولتی بتواند ببقاء خود اطمینان نماید و باو مجال دهند که مملکت را از آشفتگی در آرد محتاج بتوضیح نیست که دولت خوب وقتی دوام نکند موفق به هیچ اصلاحی نمیشود و ما برای اطمین دیدیم که یکی از علل موفقیت دیکتاتور در بعضی از امور داخلی همان دوام دولت بود که وقتی دستور میداد راهی بسازند یا کارخانه ای تأسیس کنند مرتبه دیگر که از آن راه عبور میکرد و بکارخانه میرفت اگر دستور کاملاً اجرا نشده بود متصدیان امور را بید ترین عقوبت گرفتار میکرد.

آن وزیرى که دستور کاری بدهد و يك هفته بعد چهار رأی عدم اعتماد مجلس شود چطور چرمت کند که شروع با اصلاحات نماید بنای ناقص را اگر خراب کنند وقت لازم است

که بنای کاملی جای آن بگذارند و اگر فرصت ندهند وجود ناقص به از عدم است .
خلاصه اینکه اگر صادقانه نشان ندهیم که میخواهیم روی پای خود بایستم سیاست جهانی همایکان با مجال نخواهد داد که با کابینه بازی وقت مملکت را تلف نمایم ما محتاج يك سیاست ثابت ملی هستیم و اگر مجلس خود را لایق اداره چنین سیاستی نشان ندهد در اساس این مملکت تغییراتی پیش می آید که شاید از دوره دیکتاتوری وخیم تر باشد . خوب است بعضی از آقایان تمایلات و روابط شخصی را فراموش و متغیر فرمایند که ممکن است چنین سیاستی که مجری محکم و باایمان میخواهد از يك مردی ساخته باشد که غیر از ضعف نفس و بیعلاقگی و عدم امانت امتناعی نداشته است !!!

آیا یادور کردن اینگونه عناصر مانع از بدنامی مجلس که از جریان انتخابات دامن گیر او شده است بکافیم و مجلس را مورد اعتماد داخل و خارج نماییم ؟ (مستندجی - مورد اعتماد هست)

مهندس فریور - آقای رئیس حالا که آقای مستندجی داد میزند چرا انظار نمی فرمایید .

دکتر مصدق - آیا سزاوار است که ما امروز يك اشتباهی بکنیم که مجلس آینده هم دچار همین بدنامی ها و رنگها بشود و زمینه را برای حوادث و تفسیرات خطرناک فراهم نماییم ؟

بقیاده من خوب است کسانی که نمایندگی در مجلس را برای خود واجب شمرده و تهیه مقدمات آن را هم واجب دانسته و حاضر شده اند که بدست سهیلی انتخاب شوند نفوذ خود را بکار بینند و ببصالح حوزه انتخابیه خود خدمت کنند و در قلوب اهالی مقامی تحصیل کنند که در دوره ۱۵ تقنینیه نایبند حقیقی ملت باشند و بتوانند بمملکت خدمت نمایند . آنچه عرض میکنم اگر قفلات کنند بفرود اجازه میدهم که درخیز خواهی آنان تردید نماید زیرا ممکن است کسانی بخواهند بمملکت خدمت کنند و برای انجام مقصود بوسیله نامشروعی متوسل شوند ولی وقتیکه مقصود حاصل شد اگر آن دوباره تکرار کنند باید در وطن خواهی آنان تردید کرد و کیل باید مرکز اتکاء خود را ملت قرار دهد آن کسی که بدست سهیلی ها انتخاب شود بطور غیرمستقیم مرکز اتکاء دیگر دارد که هیچوقت نخواهد توانست بخدمت مملکت موفق شود چون که هیچ مرکز اتکالی رایگان و بلاعوض با کسی مساعدت نمیکند مگر اینکه بقیست استقلال مملکت تمام شود .

من یکبار روز ۹ آبان ۱۳۰۴ بمجلس

پنجم اعلام خطر کردم اگر مجلس سستی

تکراره بود نه مدت ها مملکت گرفتار دیکتاتور

میشد و نه امروز دچار عکس العمل آن

و عرایضی هم که امروز میکنم از قبیل همان اعلام خطر ها است اگر رویه خود را تغییر ندهیم آینده ما بسیار تاریک خواهد بود چرا باید که ما همیشه در بین افراط و تفسیر زندگی نماییم ؟ چرا باید که سرنوشت ما روزی دیکتاتوری موخس و روزی عکس العمل های از آن موخس تر باشد ؟

يك روز دیکتاتوری هر گونه روابط ایرانی را با ما موردین خارجی قطع کرده بود که موجب کمورت و کینه آنان شده بود امروز عکس العمل آن این شده است که اغلب سفارتخانه ها رو آورده و رسوایی میکنند

اعلام خطر

یکروز دیکتاتوری آزادی را بکلی از مطبوعات سلب کرده بود امروز عکس -
العمل آن این است که بعضی از جراید از آزادی سوء استفاده کرده حتی برخلاف مصالح
مملکت قام فرسائی میکنند !

يك روز وکلای مجلس طوری مطیع شده بودند که از هر کدام میخواستند سلب
مصونیت می نمودند امروز عکس‌العمل آن این است که کمسیون دادگستری مجلس وزیران
مختلس و مرتشی را تیرا مینماید !

اگر ما از گذشته عبرت نگیریم روزگار بصورت ماسیلی خواهد زد و اگر این تشتت
و تشنج در مجلس ادامه پیدا کند و مجلس خود را زود جمع نکند خطر بزرگی منتظر ماست
و اگر ما سوء شهرت این مجلس را اصلاح نکنیم دیگر انصاف نیست بروخامت اوضاع بیفزاییم
امروز روزی نیست که ما غفلت کنیم و تحت تأثیر احساسات دوستی و رفاقت برویم .

ما جراحیویانی که بعد از شهریور ۱۳۲۰ از روزگار آشفته استفاده کردند و بقیمت
حیات این مملکت مقامات بزرگ دولتی را برای خود خریدند باید بآنچه اندوخته‌اند بسازند
و دست از گریبان این مملکت بردارند خوب است دیگر از حماسه خواندن خجالت
بکشند و با اعلامیه سران سه کشور فخر نکنند همان وضعیت جغرافیائی که موجب
اشغال ایران از طرف قوای بیگانه شد و ما را وارد در صفوف ملل متفق قرار -
داد همان وضعیت جغرافیائی موجب صدور آن اعلامیه گردید تازه اگر منای
آن اعلامیه وضعیتی است که ما امروز داریم نیدانم برای چه چیز باید بخود بیاییم ؛ ما -
امروز محتاج بیک زمامداری هستیم که مورد احترام مردم باشد و او را بصداقت و امانت
بشناسند نه آن کسیکه بواسطه نداشتن اعتماد بنفس در مقابل هر تقلباتی سر تسلیم
فرود آورد .

آقایان محترم!... در يك روزگاری که از ما توقع دارند روی پای خود بایستیم تا دست
از سر ما بردارند و قتیکه مأمورین خارجه بکاخ وزارت خارجه ما میروند و با يك مردی مواجه
میشوند که بیراق در و پنجره آنجا هم قناعت نکرد هرگز برای دولت ما احترامی قائل
نمی شوند .

تعجب اینجاست که این آقایان خود را در سیاست خارجی متخصمن معرفی میکنند
اگر اینها سیاست ایران هلاک داشتند بر اثر ضعف نفس و حب مقام جمعی از ایرانیان را
تسلیم اجانب و دستخوش بدترین رفتار ها نمی نمودند و ناله کسان و بستگان آنها در سهیلی و
امثالش کمترین اثر میکرد و برای نجات هموطنان علاقه ای از خود نشان میدادند اگر خون
ایرانی در بدن آنها بود هرگز تحمل نمیکردند که دیگران هر چه میخواهند بکنند و حسابی
در کار نباشد !!

اگر سهیلی سیاست بلد بود راضی نمیشد که بیک مستخدم بیگانه اختیارات بی نظیری
بدهد که هر چه میخواهند بکنند و این مملکت را دچار وضعیتی بکند که امروز مشاهده مینماییم
و مرمت و خرابیهای او چند سال وقت بخواهد - چگونه ممکن است مردم این فجایع را
فراموش کنند و چگونه میشود که مجلس با تجدید انتصاب این گونه عناصر بیعلاقه بزخم مردم
این مملکت نمک بیاشد !

آقایان نمایندگان!.. شما در این مجلس قسم یاد کرده اید که برخلاف مصالح مملکت
کاری نکنید در این صورت باید توجه نمائید که امروز سیاست مملکت بدست بهترین اشخاص
مجرده شده و هر کس که کوچکترین شکی درباره او هست بر کنار بماند و امروز روزیست



آقای امیرعلی دادستان
دیوان کبیر کہ جناب دستور
مصور السلطنہ وزیر عدلیہ
از کار بر کنار گردید
رجوع شود بصلحہ ۳۱۸

کہ ما نباید کمترین سوء ظن برای ہمسایگان خود فراہم نمایم .
در جلسہ سوم اسفند کہ پیشنهاد مهم تقلیل مدت خدمت نظام -
وظیفہ بیک سال در مجلس طرح و قابل توجہ شد آقای وزیر
جنک حضور داشت تعجب میکنم کہ یک کلام نگفت و نظری اظہار
نمود در صورتیکہ در یک چنین موضوع مهمی وزیر جنک باید
قبل از اینکہ مجلس رأی بدهد عقیدہ خود را اظہار کند . اگر
مدت فظنی نظام وظیفہ زیاد است چرا قبل از اینکہ یکی از
نمایندگان متوجہ آن بشود وزیر جنک پیشنهاد نکرده و عسر مردم
بسون سبب تلف میشود و اگر ما بتعداد فعلی ارتش احتیاج
نداریم چرا بین عشایر اسلحہ توزیع میشود !؟

چون اینگونہ عملیات موجب سوء ظن ہمسایہ شمالی ما
میشود ما باید از این قبیل عملیات خلاف مصلحت پرہیز کنیم
و ہمسایہ خود را بدین نکتہ و اگر مملکت احتیاج بہ نیرو دارد باید
نیروی مملکت سرباز رسمی باشد نہ عشایر آنہائیکہ میخواہند
ما سربای خود بایستیم باید تصدیق کنند کہ این قبیل عملیات
برخلاف این نظر است .

نظریات مطبوعات در مورد نطق ہشتم اسفند دکتر مصدق

از روزنامہ کبھان شماره ۶۶۶ تحت عنوان: « اسم سہیلی در دہنہا »

« ... چند روز است کہ اسم سہیلی در دہن ہا افتادہ است ... آن سہیلی کہ تا چندی
قبل از این جز با نفرین و دشنام یاد نمیشد اکنون اسمش غالباً بناسبتہائی برده میشود کہ جنبہ
خویش بر بدیش میچربد . یکی بناسبت کفرانس تہران نامی از سہیلی میبرد ، دیگری موقع
شناسی او را بناسبت اعلان جنک مینماید ، آن دیگری نرمی اخلاق و ... خلاصہ آن سہیلی
کہ جامع تمام صفات بد بود ، آن سہیلی کہ دستگیرہ در
وزارت خارجه را دزدیدہ و در انتخابات سوء استفادہ
کرده و مجلس چہارمہ را بشع اجانب بموجب آقای
غریرہ حرص و طمع درست کردہ و پرتو کلی کہ متضمن
کاپی کولاسیون است پذیرفتہ و یک عہدہ ایرانی میہن پرست
یا لاقابل بیگناہ را بہت جاسوسی بہ بند یکانگان انداختہ
از صفہ جہاں رخت بر بستہ و یک سہیلی خوب و با قیافہ مطبوعی
جای او را گرفتہ است ... میگویند با وضع فظلی تہا کسی کہ میتواند
کار کند « سہیلی » است - وضع فظلی ہم یک حکومت دزد ہا و
انتخابات فرمایشی و اطاعت حرف از اجانب و غارت و بنسای یک
طبقہ معین و قہر و بیچارگی عموم ملت ایران است کسیکہ بتواند
با این وضع کار کند یعنی این وضع را نگہدارد و آلت دست



آقای مہدی ریحان فرامرزی
مدیر روزنامہ کبھان

کسانی باشد که ملت ایران را در حال اسارت و بندگی نگاهداشته و قوت لایسوت ایشان را از دستشان گرفته و نان گندمشان را با آجیو معامله میکنند. آقای سهیلی است از سروصدائی که این روزها برای سهیلی بلند شده معلوم میشود که نه تنها کلامی که آقای سهیلی ایشان را تحویل کرده علاقه به روی کار آمدن ایشان دارند بلکه تمام کسانی که خود را شایسته جلوه گری در پشت تریبون مجلس میبینند و درجائی برای انتخاب شدن زمینه طبعی ندارند آرزوی زمامداری آقای سهیلی را میکشند مثل اینکه آرزومندان و کالت باورشان شده است که کلید فتح الباب مجلس در دست آقای سهیلی است!!!

از مهر ایران مورخ یازدهم اسفند ۱۳۳۳ تحت عنوان: «اعلام خطر»

« در شماره دیروز نطق آقای دکتر مصدق نماینده محترم مجلس شورای ملی را بچاپ رساندیم و بعد از چند مقاله که متوابعاً درباره مجلس و دولت نوشتیم انتظار میرفت که یکی از شخصیت‌های برجسته و ممتاز در مجلس شورای ملی خطری را که ما احساس کرده‌ایم

خاطر نشان آقایان نمایندگان مجلس بسازد و این شخصیت خوشبختانه آقای دکتر مصدق بودند که پیوسته در مواقع حساس و مهم توجه اساسی بمصالح کشور نموده و خطر را گوشزد کرده و در مقام علاج برآمده اند نطق جامع و مهم سیاسی ایشان در جلسه روز سه شنبه اثر عینی در افکار عمومی نموده است گرچه صلاح مجلس چهاردهم را در این ندانسته اند که از کارگردانان سیاسی پارلمان و آنهایی که وصول بمقاصد شخصی را در این تشخیص داده اند که هر ماهی چند دولتی را بر سر کار آورند و مقاصد خصوصی را بوسیله وی انجام دهند و مجدداً باز در پی دیگری برخیزند بی آنکه ملاحظه سوابق اعمال او را و یا ملاحظه درستی و نادرستی و یا ملاحظه مصلحت مملکت را بنمایند اسی برده شود



آقای هاشمی خاوری سردهیر روزنامه مهر ایران

ولی باز مقدار زیادی از سخنهای گفتمی را بی برده و آشکار گفته اند در حقیقت اگر مجازاتی در کار بود و موجود مجلس چهاردهم را بواسطه دخالت‌های نامشروع و اجیاناً کتیف و شرم آور در انتخابات دوره چهاردهم بجرم دخالت‌های نامشروع کتیف میداد و ملاحظه حیثیات و شئون سیاسی و آبروی مملکت و منافع و مصالح کشور مافوق و مصالح رفاقتها و دوستیهای خصوصی قرار می گرفت همانطور که آقای دکتر مصدق گفته اند جای کارگردان انتخابات دوره چهاردهم در زندان بودند در محیط آزاد در این صورت آنها که امروزندگانی خویش را وابسته و معلق بکرسی نمایندگی در مجلس میدانند امروز جرئت نمیکردند و بسامید اینکه دو دوره پانزدهم باز همان بساط شرب الیهود دوره چهاردهم را بگسراهند دست و پا برای ریاست وزرانی او کنند و مشغول ضالیتهائی شوند که قلم از شرح و توصیف آن شرم دارد...»

نامه سبیلی در پاسخ نطق دکتر مصدق

بیانات دکتر مصدق که متن آن از نظر خوانندگان گذشت با اندازه صریح و محکم بود که نقشه های سبیلی و طرفدارانش را درهم ریخت و بعد از این نطق سبیلی نامه ای نوشت که در بعضی جراید منتشر گردیده و عین آن در ذیل از شماره ۱۹۴ روزنامه « تهران امروز » بجای « مین » نقل میشود :

آقای دکتر مصدق !

در جلسه هشتم اسفند ماه جاری در مجلس شورای ملی خطابه ای بعنوان نطق قبل از دستور قرائت فرموده بودید که وقتی آنرا بدقت خواندم چنین دانستم که فرض اصلی شما از تنظیم و قرائت آن خطابه حمله بمن بوده است تا بلکه باین وسیله بطور غیر مستقیم دولت فعلی را که رئیس آن منسوب چنانعالی است شییث کرده باشید . بطوریکه ملاحظه کرده اید در این یکسانی که از کار بر کنار هستم همه نوع تهست و افترا و ناسزا مخصوصاً در بعضی از جراید بمن گفته شد ولی جز در چند مورد از دادن جواب خود داری کردم .

در مورد خطابه شما هم قصد توضیح و یاد دهنی نداشتم ولی بنا بر اصرار جمعی ناچار شدم چند سطر ی بشما جواب داده باشم اگر چه باجمال باشد .

۱ - اساس خطابه شما مبتنی بر این نکته است که چون من داوطلب احراز مقام نخست وزیری هستم مسبب تزلزل دولت بیات که مورد توجه شما است شده ام . در این باب هینقدر خاطر شریف را مسیوق میسازم که از طرف من هیچ اقدامی برای سقوط دولت بیات



آقای سبیلی نخست وزیر مورد اعتماد مجلس ۱۳ و دوره قنرت بین مجلس ۱۳ و ۱۴

مجلس نیامده در این عوالم هم نیستم دست و پائی برای احراز مقامی نگرده و نمی‌کنم.

در این یکسال بکلی از معاشرت دور و از رفت و آمد بر کنارم. در دو مرتبه ای هم که بمقام نخست وزیری رسیدم اگر اطلاع ندارید دانسته باشید که هیچگاه خودم دنبال آن نبوده‌ام، هوسی برای این قبیل کارها نداشته‌ام از ابتدا عقیده مند بودم که دولت مرحوم فروغی را باید تا آخر جنگ نگاه داشت و از او تقویت نمود شخصاً هم خیلی در این باره اهتمام نمودم متأسفانه مرحوم فروغی دیگر هیچ عنوان زیر بار اداره کار نرفت و برای صدق گفتار شهود زیادی هم دارم.

۲ - بزرگترین گناهی که بر من وارد کرده‌اید این است که می‌گوئید لطفه به حیثیت مجلس زده‌ام و دست به عملیات تکلیفی زده‌ام و نام یگانگان را بمیان آورده‌ام.

آقای مصدق من درست فهمیدم با این بیان خواسته‌اید رشوه بانگلیسها بدهید یا بروسها و کدام طرف را خواسته‌اید از خود راضی کنید؟

اینکه گفته‌اید من بمجلس رنگ زده‌ام مقصود چیست؟ شما تصور کرده‌اید بعد از دوره پهلوی مجلس باید مطیع نظریات شخص شما باشد و هر پیشنهادی بنا کنید مورد قبول نمایندگان واقع شود و اگر بمخالفت برخیزند از رنگ مجلس است از شما سؤال میکنم آیا وکلای رنگ دار (اگر فی الحقیقه چنین و کلامی باشند) موجب تزلزل مجلس هستند و اعتبار و حیثیت آنرا از بین برده‌اند یا این حرفهاییکه شما و امثال شما علناً و دائماً پشت تریبون مجلس میزنید و نمایندگان مجلس را متخفین یگانگان جلوه میدهید.

مجلسی که باید صدها قانون وضع و عهد نامه‌ها تصویب کند شایسته است که این اندازه نمایندگان آنرا رنگ دار جلوه و انتخاسات آنها را به یگانگان نسبت دهید؟

۳ - گفته‌اید باید دولتی روی کار بیاوریم که معناً ایرانی و بیطرف باشد و نسبت به همسایگان بیک چشم نگاه کند و در سیاست خارجی امانت را شعار و سرمایه خود قرار دهد.

اگر روی سخن شما در این جلسه من بوده‌ام خاطر شما را مطمئن میسازم که در تمام دوره تصدی خود جز رویه بیطرفی و حفظ موازنه در سیاست خارجی طریق دیگری پیش نگرفته‌ام همسایگان را هم بیک چشم نگاه میکردم.

صداقت و امانت من هم در سیاست خارجی کمتر از دیگران نبوده‌است تا زمانیکه در سر کار بودم سیاست خارجی خیلی روشن و هیچ نوع سوء تفاهمی هم در بین نبود متأسفانه اگر سوء تفاهمی هم بعدها ایجاد شد يك قسمت آنرا شما مسبب بوده‌اید.

یکی از آقایان ارباب جراید می‌گفت انتقاد پیمان سه گانه و اعلان جنگ بآلمان را جزو خیانتهای من و مرحوم فروغی میدانید و حتی در روزنامه خود هم اشاره ای باین اظهار شما کرده بود قضاوت این موضوع با افکار عامه است ولی در این مورد لازم میدانم بشما خاطر نشان سازم شما را دهان بآن نرسیده‌است که مرحوم فروغی نسبت خیانت بنهید.

فروغی بعقیده اکثر ایرانیان در قرون اخیر بی نظیر بوده مطمئن باشید وطن پرستی او بر مراتب بیش از شما بوده و شجاعت و عزت نفس و کاردانی او نیز مورد تصدیق داخلی و خارجی است.

در قضایای شهریور که شما لابد در احمدآباد مغفی و شاید مثل خیلی ها قصد فرار به بزد و کرمان داشتید آن مرد قبول مسئولیت نمود با نهایت صداقت و شجاعت در نجات کشور کوشید با وسنک زدند ولی نه گریه کرد نه قش نمود از برای ناپستاد تا بانقباد بیسان که در مصلحت کشور بود توفیق حاصل کرد.

شما که هیچوقت جرئت و جسارت قبول مسئولیت نداشتید و سرمایه خود را مغفی بافی و بیک مشت اشک قرار داده اید حق ندارید باشخصیکه در سخت ترین مواقع باین مملکت خدمت کرده اید اهانت نمایید.

۴- اما اینکه اعلان جنگ با آلمان را هم از خیانت های من بشمار آورده اید خوب بود لااقل بجای خطابه سرائی باخبر این ایام جهان مراجعه و متوجه میشدید آنکاری را که من از لحاظ مصالح حیاتی کشور در دو سال پیش (مخصوصاً وقتی که قشون آلمان در مصر و ققاز بود) انجام داده ام دیگران حالا ضکر آن افتاده اند.

بلی آقای دکتر مصدق اگر شما این عمل مرا خیانت میدانید من باین خیانت افتخار میکنم و تاریخ آینده کشور هم روی عمل من و اظهار شما قضاوت خواهد کرد.

باز در بیانات خود گفته اید که من با اعلامیه سه دولت فخر نکنم و حماسه ننخوانم و خجالت بکشم و فرموده اید. اوضاع جغرافیائی موجب صدور اعلامیه سه دولت گردیده و حتی شنیده ام بشخصی گفته اید اعلامیه را انگلیسها شمام قبل از آنکه کنفرانس در تهران تشکیل شود متن آنرا در لندن حاضر کرده بودند و با خود بایران آوردند !!

آقای مصدق با طرز فکری که شما دارید البته بهتر بود که جوابی بشما ندهم ولی برای آنکه مسکن است اشخاصی تحت تأثیر این قبیل بیانات واقع شوند توضیح میدهم.

اولاً من در گرفتن اعلامیه سه دولت حماسه سرائی نکردم و رجز خوانی ننموده ام و وظیفه در مقابل ملت و کشور خود داشته ام و به بهترین وجهی از آن استفاده کرده ام ثانیاً اگر هم بقول شما وضع جغرافیائی موجب صدور این اعلامیه بود مطمئن باشید انگلیسها این را شمام قبل از تشکیل کنفرانس تهیه نکرده بودند و بتهران هم برای این نیامده بودند که با اعلامیه بدهند بلکه این من بودم که از موقع استفاده کرده و با مذاکراتیکه باوزراء خارجه انگلیس و شوروی و نماینده مستر روزولت بعمل آوردم لزوم یک چنین اعلامیه ای را خاطر نشان و صدور و امضای آنرا نسا نمودم.

مطمئن باشید ملت ایران و اشخاص بی غرض و ایران دوست همیشه سیاستگذار سران سه دولت هستند نه اثر آن باین حرفها از بین خواهد رفت و نه افتخاری را که از این بابت برای من حاصل است.

۵- در خطابه خود گفته اید اگر سهیلی سیاست بلد بود راضی نمیشد بیک مستخدم بیگانه اختیارات بدهد. اگر تباهل نکنید و اوضاع اقتصادی زمانی را که اختیارات بدست دکتر میلیسبو سپرده شد منصفانه بخاطر بیاورید ملاحظه خواهید کرد اگر میلیسبو از عهده انجام کار خود برآمده بود دادن اختیارات تهاراهی بود که برای ملت چنک مسکن بود امور اقتصادی این کشور را سر و صورتی بدهد.

اگر ایراد شما این است که چرا بدکتر میلیسبو این اختیارات داده شد برای آنکه سوءتفاهنی رخ ندهد بخاطر می آورم که آن ایام بواسطه مشکلات جنگ انگلیسها و امریکاییها احتیاجات ایران را فقط باین شرط میدادند که تقسیم آنها تحت کنترل و نظارت دقیق قرار گیرد.

صریح بگویم بنسنگامهای ما هم اطمینانی نداشته که بتوانند از عهدۀ انجام حسین و جیره بندی برآیند. دکتر میلیسوپطرف اعتماد عموم و مخصوصاً در کردانی اودر آن ایام کسی تردید نمیکرد و او را بهترین کس میدانستم که بتواند این کار را بعهده بگیرد حال اگر با تمام آن اختیارات او از عهدۀ بر نیامد و حساب غلط درآمد بر من چه ایرادی وارد است علاوه مگر اطلاع ندارید که قانون اختیارات مدتها در جلسات مجلس شورای ملی مورد بحث بود و بتصویب مجلس رسیده و حتی از نظراعتقاد و اطمینانیکه بدکتر در بین عموم و نمایندگان مجلس مخصوصاً موجود بود همه در صدد بودند بااختیارات دکتر و حدود و حقوق کارهای او علاوه شود.

با آشنائی که باخلاق امثال شما دارم مطمئن هستم اگر آن ایام دست باین کار زده نمیشد همین ایرادی که امروز صادر دادن اختیارات بیلیسوپو بر من وارد میسازید در ندادن آن بر من متوجه میساختید.

بهر صورت اگر قضا یا بیطرفانه و بی غرضانه قضاوت شود این اظهارات شما هم جزو سایر مطالب و خریداری ندارد.

۶ - گفته اید اگر علاقه بوطن داشتم بر اثر ضعف نفس و حب مقام جمعی از ایرانیان را تسلیم اجانب نمی کردم.

گویا این مهمترین نکته ای است که احساسات شما را بر علیه من به هيجان آورده و از توقیف چند ماهه آقای دکترمین دفتری داماد خود رنجیده خاطر شده اید راجع باین موضوع باید توضیح دهم اولاً بر تکلی که از طرف دولت ایران با مقامات انگلیسی راجع بیازداشت شدگان و اعزام آنها به اراک و طرز رسیدگی بکار آنها منعقد شده نه در زمان من بوده و نه بامضای من تا نیا من ثبوت خود نهایت تأسف را دارم که یکمده از این ایرانیان توقیف شدند ولی بیشتر خوشوقت هستم که معلوم شد هیچ ایرانی بر علیه متقین عملی انجام نداده است.

اگر برای آقای دکترمین دفتری داماد شما که دوست سی ساله من است و متأسفانه در زمان تعدی من يك چنین گرفتاری پیش آمد من برای همیشه از ایشان شرمنده ام ولی همانطور که تذکر دادم خیلی مسرورم که دامن ایشان پاک و توانستند ثابت کنند بادشمنان متقین مابست و بندی نداشته اند ضمناً باید صریحاً اعلام دارم تا آنجا که مقدور بوده اینجانب برای رهایی هموطنان خود از این گرفتاری و تهمت ها کوشش کافی بعمل آورده ام و از این جهت پیش وجدان خود شرمنده نیستم.

۷ - دیگر از مطالبی که ذکر فرموده اید اشاره به پراق خریداری شده از وزارتخانه - است که برای من پیراهن عثمان شده خوب بود به پرونده این امر که منی دانم در وزارتخانه با کمیسیون دادگستری است مراجعه و برای شاهم معلوم میشد من قصد سوء استفاده نداشته ام و با اجازه صریح وزارت دارائی و ارزیابی کارشناس رسمی وزارت دادگستری بیزار نا قابلی که وجه آنها تماماً در مورد خود پرداخته شده مثل دیگران خریداری کرده ام.

و تصور میکنم صرف اتهام در يك امر جزئی موجب این همه مباحثه نباید بشود.

کمیسیون دادگستری مجلس شورای ملی از مردمان مطلع و شریف تشکیل شده البته رسیدگی خواهند کرد و به حقیقت خواهند رسید و امیدوارم مرعوب اظهارات و حملات شما هم واقع نشوند.

اگر صرف اتهام دلیل جرم است مثلاً آنهایی نیز که معروف است بواسطه فروختن یا ساختن قرمان پادشاه وقت می خواست دستشان را قطع نمایند باید مجرم شناخته شوند.

دهم اسفند ماه ۱۳۲۳ - علی سهیلی

بعد از انتشار نامه مزبور از طرف اشخاص و مطبوعات پاسخهایی باز داده شد

که از جمله يك سلسله مقالاتی است تحت عنوان « پاسخ آقای سهیلی - معاطله ننکند » که بقلم آقای مکی نماینده فعلی مجلس شورای ملی در روزنامه ستاره شماره ۲۰۲۳ تا ۲۰۳۰ درج گردیده و آنچه حق مطلب بوده ادا شده است - نگارنده نیز در موقع انتشار این نامه ملاحظاتی بنظر رسید که تحت عنوان: « آقای سهیلی معطله میکند » در روزنامه اقدام نوشته ام و اینک خلاصه از آن را در اینجا نقل مینمایم.



آقای حسین مکی مورخ و نویسنده

از شماره های ۷۰۳ و ۷۰۴ اقدام مورخ ۲۰ و ۲۱ اسفند ۱۳۲۳ تحت عنوان: « نامه سهیلی یا نه » ...

«... در جلسه ۸ اسفندماه جاری مجلس شورای ملی آقای دکتر مصدق نماینده اول طهران نطق مهم و مشروحی ایراد و در ضمن بیان يك سلسله مطالب اساسی اشاره ای نیز نسبت به ملیت سوه آقای سهیلی در هنگام بست نخست وزیري نموده و چنین نتیجه گرفتند که « سیاست مملکت باید بدست بهترین اشخاص سپرده شود و هر که کوچکترین شکی درباره او هست برکنار بماند »

آقای سهیلی نخست وزیر اسبق برای اینکه « کوچکترین شکی » در باره او نباشد و برای سومین بار بتواند برمسند صدارت نشسته و مملکت را از آثار وجود خویش مستفیض !! و با بقول دکتر مصدق آخرین چوب حراج را بزند نامه ای (بنا بقول خودش باصرار جمعی!) در جواب نطق آقای دکتر مصدق نگاشته که متن آن در بعضی جراید درج گردیده است.

... انسان وقتی نامه مزبور و اصل نطق را میخواند تعجب میکند چطور آقای سهیلی که طرفدارانش او را صاحب قریحه و هوش سرشار میشمارند و نویسنده « بازیگران عصر طلائی » او را بکنفرانس موقع شناس معرفی میکنند بنگارش چنین نامه ای که هر خواننده هاسی هم بفالطه و ضعف استدلال نویسنده آن بی میبرد مبادرت ورزیده اند گویا شتابزدگی که برای دفاع و اعاده حیثیت از دست خود داشته اند از یکطرف و عمبانیستی که از گفتار يك نماینده حقگو و مورد اطمینان عمومی برایشان مستولی شده از طرف دیگر و ادارشان کرده که در موقع نوشتن لایحه دفاعیه مزبور همان احساسات را درها و بدون نقل هر مطلبی را که بخمال خود باعث القای شبهه و بعبارت دیگره و کرفین حرف دانسته اند بجای حرف منطقی و حسابی برشته تحریر در آوردند باینکه بعضی اطلاع

هموطنان عزیز و برای اینکه سفسطه و مغالطه آقای سبیلی معلوم شود نامه ایشان را به قسمت نموده و در باب هر قسمت نظریات خود را در این مقاله مینگارم:

۱ - اسنادات دروغ - آقای سبیلی در نامه خود باستناد اظهاریک روزنامه نگار و با از قول دیگری (که او را معرفی نکرده) مطالبی ذکر نموده که اساساً این مطالب نه در نطق دکتر مصدق بوده و نه از هیچیک از عبارات مندرجه در خطاب به ایشان مستفاد شود:

مثلاً در بکجامینوبند: «یکی از او باب جراید میگفت دکتر مصدق اعتقاد پیمان سه گانه و اعلان جنگ با آلمان را جزو خیانت های من و مرحوم فروغی میدانند»
جای دیگر چنین نگاشته: «اما اینکه اعلان جنگ با آلمان را هم از خیانت های من بشمار آورده اند خوب بود لاقلاً بجای خطابه سرانجامی باخبر این ایام جهان مراجعه و متوجه میشدید ...»

سپس ادعا میکند: «شنیده ام شخصی گفته اند اعلامیه را انگلیسها ۶ ماه قبل از آنکه کنفرانس در تهران تشکیل شود متن آنرا در لندن حاضر کرده بوده و با خود بایران آورده اند.»

باز نوشته است: «سران سه دولت این سندی را (مقصود اعلامیه ۳ دولت است) که شما هر اندازه بخواهید آنرا بی اهمیت جلوه دهید و امکان ندارد، امضاء نمودند مطمئن باشید ملت ایران همیشه سپاسگذار از سران سه دولت هسته و اثر آن باین حرفها از بین نخواهد رفت.»

شما ای خواننده معترم این جملات را که عیناً از نامه جوابی آقای سبیلی نقل شده مطالعه و یکبار با دقت نیز نطق آقای دکتر مصدق را ملاحظه فرمائید به بینید در کجای آن ناطق مزبور از اعلان جنگ با آلمان اظهار عدم رضایت کرده یا بفروغی بدگفته و یا اعتقاد پیمان سه گانه را جزو خیانت ها شمرده است

بر فرض معال قول فلان مدیر روزنامه صحیح و دکتر مصدق با اعتقاد پیمان سه گانه و اعلان جنگ با آلمان نظر مثبت نداشته و با فلان شخص معلوم گفته باشد که متن اعلامیه را انگلیسها ۶ ماه قبل از آنکه کنفرانس تهران تشکیل شود در لندن تهیه نموده اند چه ارتباطی با نطق اخیر مشارائیه که راجع به دخالت های بی مورد سبیلی در انتخابات دوره ۱۴ است دارد که او در جواب خود بدان اشاره مینماید !!

این از شاخه بآن شاخه پریدنها نشان بارز ضعف منطق و سفسطه و مغالطه است اگر مقصود آقای سبیلی از ذکر این «اسنادات دروغ» بدکتر مصدق این است که معظم‌الیه را در انظار مقامات متعین خراب و سوء تظاهراتی ایجاد نمایند تصور میکنم اشتباه صمدی کرده اند و تیرشان بسنگ خورده زیرا دکتر مصدق يك رجل ملی با شهامتی است که در این سلطنت عمری در مشاغل حساس و مهم بوده و خارجی و داخلی بر وطنپرستی و وقوف کامل او باوضاع سیاسی دنیا و صراحت لهجه و شجاعت ادبی وی آشنا میباشد.

پس همه کس خواهد دانست و مقول هم نیست چنین رجل کار آگاه و دانایی بر اعتقاد پیمان سه گانه یا اعلان جنگ با آلمان که هر دو صد درصد برای ایران ضروری و واجب بوده اعتراض نماید آنهم اکنون که مدت مدیدی از تصویب آن گذشته است !!
در اینجا جمله مترجمی دلاوم، یکی از مومنان دانشمندی که نامه آقای سبیلی را

خواننده و جملات مغرضانه مذکور در بالا را دیده بود میگفت: «من تا کنون ادعای بعضی از جرم‌ها مرکز را که نوشته بودند گرفتاری چند نفر از زندانیان سیاسی اراک مخصوصاً آیه‌الله گلشانی بیشتر در اثر سعایت و خیر چینی خود آقای سهیلی نخست‌وزیر وقت بود نمیتوانستم قبول نمایم ولی با ملاحظه نامه اخیر او بر سر رد بیانات دکتر مصدق و اسنادات دروغی که بدکتر داده شده است چنین دستگیرم شد که دور نیست ایشان برای مغلوبیت مخالفین خود بدین اعمال ناجوانمردانه مبادرت ورزند.»

راستی آقای سهیلی چرا شما در لایحه خود پای مرحوم فروغی را بمیان آورده‌اید اگر او خوب بود بشما چه مربوط و با نطق اخیر دکتر مصدق چه ارتباطی داشته است! مورخین اعمال آن مرحوم را با ذکر دلیل در تاریخ ثبت و ملت ایران هم بخوبی آن مرحوم را شناخته که در چندین بار زمامداری خود بایران خدمت کرده یا صدمه زده است ولی در هر دو صورت حساب آن مرحوم با شما جدا است و مسلم است از تحریف او نمیتوانید برای دکتر مصدق دشمن و برای خودتان درست‌درست کنید ..

۲ - خلط مبحث - آقای سهیلی در نامه خود نماینده اول تهران را عامل ایجاد سوء تفاهم در سیاست خارجی دولت دانسته است!

چنانچه در یکجا مینویسد: «تا زمانی که سرکار بودم سیاست خارجی خیلی روشن و هیچ نوع سوء تفاهمی در بین نبوده متأسفانه اگر سوء تفاهمی هم حاصل شد بکفایت آنرا شما سبب بوده‌اید»

جای دیگر مینگارد: «آقای دکتر مصدق من درست نفهمیدم باین بیان خواسته‌اید رشوه بانگلیسها یا بروسها بدهید و کدام طرف را خواسته‌اید از خود راضی کنید.»

نگارنده نمیدانم مقصود سهیلی از اینکه دکتر مصدق را عامل «یکقسمت از سوء تفاهم در سیاست خارجی» معرفی کرده چیست!

این قسمت را خوب بود صریحتر میگفتند تا همه کس از آن باخبر شود

دکتر مصدقی که از روی ایمان معتقد است که «هر دو لٹی باید بیطرف و نسبت بهمسایگان بیک چشم نگاه کنند و در سیاست خارجی امانت را شعار و سرعایه خود قرار دهند» آیا میتوان توهم کرد که خود موجب سوء تفاهم شود یا جمله‌ای بگوید که بخواهد بیک طرف را از خود راضی کند!!

آقای سهیلی!... اگر میخواهید بگوئید طرح دکتر مصدق راجع بنفت موجب سوء تفاهم در سیاست خارجی شده قضاوت آن با افکار عمومی است قط جا دارد عرض کنم از این جمله شما من اینطور استنباط میکنم که برخلاف آنچه بدکتر نسبت داده‌اید خود شما خواسته‌اید با این عبارت بیکی از فراکسیون های مجلس که با این طرح مخالف بوده‌اند رشوه دهید تا زودتر بآرزوی قلبی خودتان که رسیدن به مقام نخست‌وزیری است نائل گردید چنانچه در جای دیگر نامه دفاعی نیز زرنگی فرموده با ذکر عبارت: «آیا و کلای رنگدار (اگر فی الحقیقه چنین و کلای باشند) موجب تزلزل مجلس هستند و اعتبار و حیثیت آن را برده‌اند یا این حرفهایی که شما و امثال شما علناً و دائماً پشت تریبون مجلس میزنید و نمایندگان مجلس را منتخبین بیگانگان جلوه میدهید مجلسی که باید صدها قانون وضع و عهد نامه ها تصویب کند شایسته است که این اندازه نمایندگان را رنگدار جلوه داده و انتخابات را به بیگانگان نسبت بدهید؟» - خواسته‌اید بیک تیر چند

نشان نمائید یعنی اولاً نمایندگان و نگدار را از خود راضی کنید تا ورقه رای اعتماد آنان را بدست آورید ثانیاً افکار نمایندگان را بر علیه دکتر مصدق که مخالفت با ایمان و با پر نسبیپ زمامداری شما و امثال شما است شهبج نمائید نسا بالتنبیجہ راه رسیدن بہدف برایتان آسان و صاف و بدون مانع و رداغ باشد .

این قبیل زدنگی ها شاید مطابق منطق و اجتهاد شما پسندیده باشد ولی بطور قطع افکار عمومی ملت آفرانہ شروع و مہدموم میداند و تصدیق میکند اگر کسی در مقابل افکار عمومی محکوم و عملیاتش ناپسندہ تشخیص گردد اگر فرضاً چند روزی ہم با ہزار زدوبند بجائی برسد و بہترین مقامات را احراز کند باز در جامعہ بی ارزش و منفور خواهد بود .

۳- عبارات متناقض- در یک قسمت دیگر از نامہ دفاعی خود آقای سہیلی خواستہ چنین وانمود کند کہ حیات آقای دکتر مصدق بر علیہ او ناشی از اغراض خصوصی است زیرا آقای بیات نخست وزیر فلی از منسوبین آقای دکتر است و ایشان برای حفظ ثبیت دولت کہ ضلالتزلزل و در مجلس اکثریت ثابتی ندارد بایراد نطق مورد بحث میادرت کردہ است .

در اول لایعہ دفاعیہ چنین مینویسد: «وقتی نطق دکتر مصدق را خواندم چنین دانستم کہ فرض اصلی از تنظیم و قرائت آن خطابہ حیلہ بین بودہ است تا بلکہ بدین وسیلہ بطور غیر مستقیم دولت فلی را کہ رئیس آن منسوب ایشان است تثبیت کردہ باشند .»

در جای دیگر مینویسد: «اساس خطابہ دکتر مصدق مبنی بر این است کہ چون من داوطلب احراز مقام نخست وزیری ہستم مسیب تزلزل دولت بیات کہ مورد توجہ ایشان است شدم»

در بند ۶ لایعہ دفاعی آقای سہیلی نیز از ادعای خود کہ در بالا ذکر شد «یعنی مخالفت دکتر با او بواسطہ خویشی با آقای بیات» عدول کردہ و مینویسد «گفتہ اید اگر علاقہ وطن داشتم بر اثر ضعف نفس و حب مقام جمعی از ایرانیان را تسلیم اجانب نیکردم گویا این مہمترین نکتہ است کہ احساسات شما را بر علیہ من بہیجان آوردہ و از توقیف چند ماہہ آقای دکتر متین دفتری داماد خود رنجیدہ خاطر شدہ اید ...»

این جملات متناقض صراحتاً برخلاف انصاف نوشته شدہ زیرا ہمہ کس بخاطر دارد کہ در جلسہ تاریخی ۱۷ اسفند ماہ سال گذشتہ آقای دکتر مصدق هنگام بیان مخالفت خود با اعتبار نامہ آقای سپید ضیاء الدین طباطبائی بہ عملیات و دخالت های بی مورد سہیلی در انتخابات معترض و صریحاً گفت: «مناسفانہ انتخابات دورہ چہاردم مجلس شورای ملی بواسطہ دخالت های بی مورد سہیلی و تدین بوضع اقتضاح آمیزی خاتمہ پذیرفت ...» آیا آنوقت ہم مانند امروز رئیس دولت منسوب ایشان بود؟ آیا آنوقت آقای بیات می خواست نخست وزیر بشود؟ ...

این موضوعات را ہمہ کس میداند، ہمہ مردم این مملکت دکتر مصدق را بخوبی میشناسند او امتحان خود را بہلت باہوش ایران دادہ، آن روزی کہ اسمی از سہیلی و امثال او نبود دکتر مصدق مدتہا وزیر خارجه، وزیر مالیه، استاتدار فارس، والی آذربایجان و وزیر دادگستری شدہ بود مجلسی کہ امثال مدرس شہید در آن بودند بہ دکتر مصدق اختیارات برای تشکیلات مالیه مملکت میداد۔ ملت ایران اورا تالی و ہر دین مدرس ہا و مشیر الدولہ ہا

موتمن الملكها، مستوفی السالك هامی دانست حالا آقای سهیلی تربیت بیائنه مكشپ منحوس دیکتاتورى، خراب کننده انتخابات دوره چهاردهم میگوید دکتر مصدق برای خاطر زندانی شدن دامادش، برای تثبیت مقام بیات منسوبش بامن مخالفت کرده است!!

آقای سهیلی! در دوره ششم مجلس شورای ملی که هنوز انتخابات فرمایشی در مملکت نبود و نمایندگان حقیقی ملت امثال مدرس ها، ملك الشعراها، آشتیانی ها، حائری زاده ها، موتمن الملكها... مجلس یعنی کعبه آمال ملت را تشکیل می دادند مرحوم مستوفی مورد اعتماد نمایندگان واقع و رئیس الوزراء شد در موقع طرح برنامه دولت همینقدر که مصدق نطق معروف خود را در مخالفت با کابینه مزبور بواسطه عدم صلاحیت و ثوق الدو له و مرحوم فروغی که عضو کابینه بودند به سمع مجلس رسانید بطوری که نزدیک بود دولت را ساقط کند در حالی که مرحوم مستوفی قوم و خویش نزدیک (عموزاده) دکتر مصدق بود و آن روز همه کسی تعجب داشت چطور دکتر مصدق به آن شدت حاضر بمخالفت با کابینه مستوفی شده است.

حالا شما ادعا دارید که دکتر مصدق برای خاطر بیات با شما مخالفت کرده است تاریخ و مردم مسقطه بازی شما را خوب درك میکنند و محقق بدانید حرفتان خریدار ندارد.



بهر تقدیر در متن نامه دفاعی آقای سهیلی جز مطالب بالا که اشتباهات عمدی آن را با استدلال در فوق ذکر کردیم چیز تازه و مهم دیگری نیست جز اینکه آقای درچند جای نامه از خودش تعریف و باصطلاح شعراء حساسه سرائی کرده است چنانکه یکجا میگوید «... در سیاست خارجی همسایگان را با يك چشم نگاه میکردم و صداقت من هم از دیگران کمتر نبوده است» تا زمانی که سرکار بودم سیاست خارجی خیلی روشن و هیچ نوع سوء تفاهم در بین نبود»

جای دیگر می نویسد: «کاری را که در دو سال پیش انجام داده ام دیگران (کشورهای دیگر) حالا بفکر آن افتاده اند.» سپس میفرماید: «مواد اعلامیه هم نتیجه فکر و ابتکار من بود.»

جناب آقای سهیلی!

این حساسه سرائی ها مستحسن نیست آنهم از يك رئیس الوزراء - بقول معروف: مشك آنست که خود بیوید نه آنکه عطار بگوید خوب بود بهوش این حساسه سرائی ها اگر واقعا خود را یکنه میدانید بآن قسمت از نطق دکتر مصدق که مربوط بدخالت شما در انتخابات است پاسخ میدادید...

خوب بود بجای استاد بنوشته فلان جریده مزدور و فلان شخص مجهول و بیعت در بیان سه گانه و اعلان جنگ با آلمان و ترمیم و مدح مرحوم فروغی در نامه خود از فقره اعلام جرم آقای فرخ در مورد دخالت خود در انتخابات که آقای دکتر مصدق هم بدان تلویحا اشاره کرده بحث مینمودید تا مردم حقیقت قضایا را درك می کردند.

چرا جواب نفرموده اید که این تلگرافات کذابی را بر حسب دستور شما مضایقه کرده اند یا بر حسب دستور شما نبوده! آریا دخالت نامشروعی در انتخابات داشته اید

ملت ایران باید بفهمد اتهامات متبیه به شما صحت دارد یا خیر ؟
ولی مثل اینکه کاملاً صحیح است زیرا تا کنون جوایی نداده اید و قضیه
را سکوت گذاشته اید .



همینطور توضیحاتی که در مورد اخبارات اعطائی به دکتر میلیسپو و موضوع زندانیان
سیاسی ارائه داده اید غیر کافی است و موجب ثبوت بی تقصیر و عدم قصور شما نیست مخصوصاً
این عبارت که در نامه دفاعی خود نوشته اید : «با آشنائی که باخلاق امثال شما (دکتر
مصطفی) دارم مطمئن هستم اگر آن ایام دست باین کار زده نمی شد همین ایرادی که امروز
شما در دادن اختیارات میلیسپو وارد میسازید در ندادن آن بمن متوجه می ساختید .» تصدیق
کنید که قطعاً خلط مبحث است نه جواب مقنع و منطقی .

همه می دانند که شما برای اینکه در آن وقت سخت مسئولیت را از خود دور
نمائید آن اختیارات کذائی بر خلاف قانون اساسی را به يك مستخدم خارجی
واگذار نمودید و الا علت دیگری نداشت و مجلس سیزدهم اگر میخواست آن را
تصویب نکند با تحریکاتی که آنوقت در کار بود هر پیش آمد سوئی را که ناشی از بی
لیاقتی دولت ها بود بگردن خود می انداخت ...»

و اما راجع به تدین

چون عده ای از نمایندگان تصمیم گرفته بودند
که با گزارش کمیسیون دادگستری راجع به
تبرئه تدین موافقت کنند و او را تبرئه نمایند در

جلسه سیزدهم اسفند مجدداً گزارش مزبور مطرح گردید و پس از مذاکرات عده ای از
نمایندگان مخالف و موافق ، دکتر مصدق نظریاتی اظهار نمود که از شماره نوزده
مذاکرات مجلس صفحه ۱۱۷ نقل میشود :

دکتر مصدق - بنده اخطار نظامنامه دارم

رئیس - راجع بچه اخطار دارید ؟

دکتر مصدق - بموجب ماده ۱۰۹ بنده باید صحبت کنم .

رئیس - بفرمائید .

دکتر مصدق - البته آقای شهاب فردوس در نظر دارند روزی که برای انتخاب
کمیسیونی برای رسیدگی بکار نمایندگان اینجا صحبت بود بنده ایشان را از روی عقیده
ضمن یکی از آن اشخاصی که باید انتخاب بشوند انتخاب کردم (شهاب فردوسی - متشکرم)
و نسبت بایشان کمال حسن ظن را داشته ام و حالا هم دارم . ولی بنده آقا تا امروز هیچوقت
مسووعات را مورد نظر قرار نداده ام و همیشه تا بیک چیزی اطمینان حاصل نکرده ام آن
را نگفته ام و تا بیک چیزی را نتوانم از عهده اثبات آن برآیم آن را در جامعه اظهار
نکرده ام - مجلس شورای ملی اگر میخواهند امتحان بکنند این دوسه آقای تدین و ایک
مدتی با اختیار کمیسیون دادگستری گذاشتید ۱۵ روز هم در اختیار من بگذارید این که
چیزی نیست مانعی هم ندارد و برخلاف قانون هم نیست چون غیر ملکیت هم اقتضا میکند
که بیک دوسه را ۱۵ روز با اختیار من بگذارید من هم خادم این ملکیت هستم نظری هم

که ندارم (صحيح است) من هم روی این دوسیه يك نظری بسدھم - این هم پیشنهاد بنده است : بنده پیشهاد میکنم که پرونده آقای تدین را ۱۵ روز با اختیار اینجانب بگذارند تا گزارشی از آن بمجلس تقدیم بکنم اگر آقایان صلاح میدانند این دوسیه را مرحمت کنند ببنده اگر بنده بد را برت دادم دیگر کاری بمن رجوع نکنید و اگر خوب را برت دادم آنوقت این جور قضایا و این جور دوسیه ها را همیشه ببنده رجوع کنید .

بعضی از نمایندگان - بسیار خوب کسی مغالف نیست .

رئیس - آقای بهبهانی .

بهبهانی - اینکه ایشان فرمودند اختیار بایشان داده شود بنده گمان میکنم که البته ایشان حق دارند که هر چه عقیده دارند اظهار بکنند ولی اظهارات آقای شهاب فردوس راجع بسوء نظری بود که بکمیسیون دادگستری کرده بودند اما اینکه ایشان اختیار داشته باشند در مراجعه بدوسیه - این دوسیه را هر يك از افراد و کلاه حق دارند مراجعه کنند و بهر دوسیه ای که در وزارتخانه ها است میتواند مراجعه کنند بنابراین اختیاری نمیخواهد ایشان میتوانند که در هر موردی که میخواهند بروند رسیدگی بکنند و هر وقت بخواهند پرونده را در معرض مطالعه خودشان قرار بدهند بنابراین حق و اختیار نمی خواهد ایشان میتواند مراجعه فرمایند و هر چه نظرشان هست در مجلس شورای ملی اظهار فرمایند و محتاج پیشهاد و اجازه نیست .

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر مصدق قرائت میشود :

پیشنهاد میکنم که پرونده آقای تدین ۱۵ روز با اختیار اینجانب گذاشته

شود تا گزارش از آن بمجلس تقدیم کنم .

رئیس - آقای محمد طباطبائی فرمایشی داشتید ؟

محمد ضیائی - بنده اخطار نظامنامه ای دارم .

رئیس - آقای طباطبائی اخطار مقدم است

محمد طباطبائی - آقا اینها اخطار نیست اینها بهانه است، اینها برای تلافی -

کردن وقت است

رئیس - فرمایید آقای محمد ضیائی .

محمد ضیائی - در اصل قضیه بنده وارد نبشوم که آقایان دفاع از همدیگر

کردند ولی ماده ۱۰۹ میگوید :

اگر در ضمن مباحثات و نطق افتراء و تهمت بیکی از نمایندگان زده شود یا عقیده و اظهار او برخلاف واقع جلوه داده شود و نماینده مذکور برای تیرمه و رفع اشتباه اجازه نطق بخواهد بدون رعایت نوبت اجازه داده خواهد شد آقایان بایستی همانروز در ضمن مباحثه این دفاع را میکردند و حالا این را آورده اند امروز از خودشان دفاع میکنند باید مراعات این نکته را بکنند .

محمد طباطبائی - این گذشته است آقای محمد ضیائی اولاً مطابق قسانون

اساسی اظهاری که آقای شهاب کردند بکفدري مخلوط با سوء تفاهم و اشتباه است چون اصلاً هیچوقت مجلس قضاوت نمیکند قوا از هم منفک است اینکه فرمودید ما قضاوت کردیم و قاضی باید عادل باشد . اصلاً مجلس شورای ملی قوه مقننه است - بهیچوجه ، بهیچ عنوان ، بهیچ بهانه مسکن نیست مجلس شورای ملی در قوه قضایه و قوه مجریه مداخله بکند

ما قانون معا که وزراء داریم و این طرز غلطی هم که متأسفانه پیش آمده است که اگر يك وزیر مرتکب این قبیل اتهامات شد بیخود مجلس شورای ملی نمیتواند معطل بکند و جلوی کار قضائی را بگیرد تا این اندازه بشما اجازه داده شده است که فقط يك مطالعه اجمالی بکنید نه قضائی که خود این هم غلط است ولی شده است متأسفانه يك مطالعه اجمالی باید بشود که این آقای منعم را محکمه ببرند و معا که کند یا نه فقط این اندازه اجازه داده شده است نه اینکه وارد ماهیت اتهام بشوند و دلایل را بسنجند و قضاوت کنند و بیایند بگویند که بری است یا بری نیست این اصلاً از شئون مجلس نیست (شهاب فردوس - این طور نیست) البته خود آقای منعم توجه دارید و اما راجع باین پیشنهادها جوابش همان بود که آقای بهبهانی هم اشاره کردند آقایان و کلاً در تمام کمیسیونها و جریانات مجلس حق دارند مداخله کنند مطالعه کنند، پرونده را بخواهند بنا بر این نظر آقای دکتر مصدق تأمین است.

دکتر مصدق - باید آوی مجلس این پیشنهاد رد بشود آقا

محمد طباطبائی - حالا يك اشکال دیگری دارد و آن اشکال این است که کارها در مجلس تقسیم شده است و این کارها از وظایف منعمه کمیسیون دادگستری است حالا مجلس شورای ملی برخلاف نظامنامه و برخلاف قانون و برخلاف ترتیب و برخلاف ۱۴ دوره سابقه بیاید رأی بدهد که یک نفر برود کار کمیسیون عدلیه را بکند و گزارش بدهد این واقعا از آقای دکتر مصدق که دکتر در حقوق هستند (دکتر مصدق قبیح است!) واقعا اسباب تعجب است و برخلاف اصل است.

رئیس - اینطور مسائل بی سابقه که پیش میآید واقعا بنده نمیدانم تکلیف چیست اگر بنده رأی بگیرم بکنده میگویند رأی نمیخواهد اگر رأی بگیرم يك عده دیگر میگویند رأی میخواهد بکنده بنده اصلاً يك کمیسوتی را مجلس میتواند مأمور يك کاری بکند و این مخالف نظامنامه نیست مگر اینکه مجلس باین عنوان در این پیشنهاد رأی بدهد والا سابقه نظامنامه ای ندارد ... آقای نبوی بفرمائید.

دشتی - آقا شما رئیس مجلس هستید دوسیه را بفرستید آقای دکتر مصدق مطالعه کنند.

نبوی - عرض کنم این موضوع مطرح نیست قبل از دستور آقای شهاب بعنوان اخطار نظامنامه ای اجازه خواستند که از خودشان دفاع کنند ولی دیگر این موضوع مطرح



آقای نبوی نماینده ایشاپور
در مجلس ۱۴

نیست تا بشود بر آن پیشنهادی کرد و پیشنهاد معنی ندارد و همانطور که ایشان فرمودند این از وظایف کمیسیون دادگستری است اما راجع پرونده همانطور که فرمودند همه آقایان میتوانند بیایند و مراجعه پرونده کنند آن روز هم بنده عرض کردم که پرونده حاضر است همه آقایان میتوانند مراجعه کنند آقای دکتر مصدق هم میتوانند بیایند پرونده را رسیدگی کنند و تحت نظر قرار دهند و هر نظری که دارند بدهند به مجلس شاید در مجلس نظرشان تصویب شود اینکه آقای طباطبائی فرمودند که کمیسیون حق قضاوت ندارد خواهستم خدمتشان عرض کنم که قانون معا که وزراء میگویند که کمیسیون دادگستری باید رسیدگی کند و تمام دلایل راجع کند و اطلاع مطلعین را بشنود و بعد از رسیدگی کامل

وجمع آوردن دلایل روی آن يك نظری بندهد آنوقت آن نظری که بعد از جمع آوری دلایل خواهد داد برای این است که این عمل قابل احاله بوزارت دادگستری هست یا نیست ؟ قابل تعقیب هست یا خیر ؟ با قضاوت تنهایی که ما بخواهیم يك کسی را تبرئه کنیم یا مجرم معرفی بکنیم نبشود قضاوت ما تا این حد است که آیا این شخص قابل تعقیب است یا نیست ؟ اگر تا اینقدر رسیدگی نشود و دلایل جمع آوری نشود که حیثیت هیچکس باقی نماند ماند برای اینکه هر کسی بکنفر اعلام جرم کند و مساهم بدون رسیدگی او را بوسیله وزارت دادگستری بفرستیم بمعنکه البته منظور معنی این نبوده است ما باید دلایل را جمع آوری کنیم و اظهار نظر کنیم این دفاعی که آقای شهاب کردند برای همین بود که کمیسیون آتقدر که توانسته است در اطراف پرونده رسیدگی کرده است

نمایندگان - دستور دستور

دکتر مصدق - آقا بنده پس نمیگیرم خواهش میکنم پیشنهاد بنده رای

بگیرید .

رئیس - آخر موضوع ندارد در صورتیکه مجلس موافق است جناحالی میتواند بروید در کمیسیون رسیدگی کنید پیشنهاد باید در ضمن يك لایحه یا يك طرح باشد .

دکتر مصدق - بنده پیشنهادم را پس نمیگیرم رای بگیرید .

رئیس - عرض کنم عده ای از آقایان هم تهاضی نطق قبل از دستور کرده اند .

نمایندگان - دستور . دستور

هاشمی - بنده مخالفم با دستور من باب اینکه يك گزارشی از کمیسیون تحقیق دارم که دو دقیقه وقت را میگیرد اجازه بفرمائید باندازه دو دقیقه وقت مجلس را بگیرم بعضی از نمایندگان - باشد برای آخر جلسه .

یک نفر از نمایندگان - با ورود در دستور هم میتواند

دکتر شفق - بنده اخطار قانونی دارم

رئیس - چه اخطار قانونی بفرمائید امروز اخطار بلران است

دکتر شفق - قانون محاکمه وزراء و هیئت منصفه ماده ۴ يك جمله اش را اجازه بعهید بنده بخوانم و نسبت با آقای محترم آقای شهاب فرغوس عرض میکنم که در بیاناتی که فرمودند از يك لحاظ تجدید نظر باید بکنند

فرهودی - آقا مطابق نظامنامه باید اخطار کنید

دکتر شفق - اینجا میگوید کمیسیون عدلیه مکلف است همه قسم تحقیقات لازمه را از مراجعه با اسناد و مدارک پرونده بکند . این کمیسیون تحقیقات لازمه را نکرده است ما میخواهیم بگوئیم کمیسیون باید تحقیقات لازمه را بکند

جمعی از نمایندگان - این موضوع مطرح نیست

دکتر شفق - قطع میخواستم عرض کنم که کمیسیون تحقیقات لازمه را نکرده است و ما میخواهیم بگوئیم که باید تحقیقات لازمه بشود .

جمعی از نمایندگان - رای بگیرید بورد دستور

دکتر مصدق - اگر به پیشنهاد من رای نگیرید من دیگر در این مجلس نمیتوانم

فرهودی - بهتر برو
 جواد مسعودی - برو آقا
 دکتر مصدق - اینجا مجلس نیست اینجا دزدگاه است (همه نمایندگان)
 اقبال - دزد خودت هستی



آقای علی اقبال نماینده مشهد
 در مجلس ۱۳

سندجی - تو همین میکنی ؛ (در این موقع آقای دکتر مصدق با حال تعرض از مجلس خارج شدند)
 رئیس - عرض کنم بنده هیچ منظوری ندارم مطابق نظامنامه من با ایشان عرض کردم که باید يك طرحی پیشنهاد کنید بنده نه نظر موافق و نه نظر مخالف دارم مطابق نظامنامه باید پیشنهاد ضمن يك طرح یا يك لایحه ای باشد و بنده وظیفه ام را باید اجرا کنم.

واقعه پانزدهم اسفند

مذاکرات این جلسه و تصمیم دکتر مصدق بعدم حضور در مجلس سبب شد که قاطبه روشنفکران از مدیر های جراید و دانشجویان و اعضای جمعیت رفیقان و بازرگانان نسبت به بعضی از نمایندگان اظهار تنفر کنند و عده زیادی از این طبقات روز پانزدهم اسفند بمنزل دکتر مصدق بروند و او را بمجلس ببرند که شرح این واقعه را که در شماره ۵۷۰۵ روزنامه «اطلاعات» همان روز تحت عنوان «واقعه جلوی مجلس» منتشر شده نقل مینمائیم :

واقعه امروز جلوی مجلس مربوط بجرایبی است که در جلسه اخیر مجلس پیش آمد :

خوانندگان محترم مسبق هستند که در جلسه گذشت مجلس پیشنهادی آقای - دکتر مصدق تقدیم نمودند که این پیشنهاد را مجلس وارد ندانست و مخالف نظامنامه و مقررات جاری مجلس تشخیص داد و در ضمن توضیحات گفته شد که آقای دکتر مصدق می- تواند هر گونه پرونده های موجوده در کمیسیون دادگستری و یا سایر کمیسیون ها را مطالعه فرموده و نظریه خویش را بمجلس شورای ملی اطلاع دهند و این حق را هر نماینده ای دارا میباشد و محتاج بتصویب پیشنهاد مغموس نیباشد .

این موضوع وعدم توجه بپیشنهاد آقای دکتر مصدق موجب تکدر خاطر ایشان گردید و موفقی که باعصیانیت جلسه را ترك می نمودند اظهاراتی نمودند که در بین نمایندگان مجلس عکس العمل شدیدی ایجاد نمود و در نتیجه اظهاراتی بر علیه ایشان در مجلس شد .

امروز صبح محصلین دانشکده حقوق پس از مذاکراتی که در بین آنها در کلاس ها میشود در صحن دانشکده اجتماع نموده و تصمیم می گیرند که بالا اجتماع بسزای آقای دکتر مصدق بروند و ایشانرا بمجلس بیاورند .
در همین موقع بکعبه از محصلین بدوا جلوی مجلس ازدحام نموده وبا فریاد های



دو منظره از واقعه ۱۵ اسفند: سر اورست راست هنگامی را نشان میدهد که کنگره دانشجویان بانظم و ترتیب خاص انومبیل دکتر مصدق را در میان گرفته بطرفی مجلس میراند و سر اورست چپ آمادگی نظامیان را برای تابلک و حمله نشان میدهد

زنده باد دکتر مصدق از خیابان شاه آباد و خیابان اسلامبول و نادری بست خانه آقای دکتر میروند .

مقارن ساعت ۱۰ اجتماع محصلین دانشکده حقوق و یککعبه از دانشکده پزشکی جلوی منزل دکتر مصدق زیاد میشود و تقاضای ملاقات ایشانرا می نمایند ایشان هم بیرون- آمده در صحن حیاط با محصلین صحبت مینمایند و بالاخره محصلین ایشانرا دعوت میکنند که باتفاق آنها بمجلس بروند در اینجا آقای عباس خلیلی مدیر روزنامه اقدام نیز شروع بصحبت نموده و از دکتر مصدق تمجید می نمایند و بالا اجتماع دکتررا بست مجلس حرکت میدهند. پس از طی مسافت کسی انومبیل دکتر میرسد ایشان سوار میشوند و در پشت سر ایشان یک با

در جلسه خصوصی

خو اتومبیل دیگر حرکت مینماید و محصلین هم دنبال اتومبیل بست مجلس عزیمت می نمایند .

اتومبیلها آهسته خیابان پهلوی و خیابان نادری را طی نموده و بست مجلس حرکت میکرده اند بر اجتماع محصلین نیز در طول راه افزوده میشود .

اجتماع آقای دکتر مصدق را باین ترتیب تا نزدیک مجلس می آورند در وسط خیابان شاه آباد یکدسته نظامی در صدد تفرقه جمعیت که بیش از دو هزار نفر شده بودند بر میآید ولی موفق نمیشود و ازدحام بست بهارستان سرازیر میشود .

در نزدیک میدان بهارستان آقای دکتر مصدق را روی دست بلند کرده بست در مجلس روانه می شوند . جلوی در مجلس فراولان و یکدسته نظامی که از اجتماع و حرکت جمعیت قبلا مطلع شده و آماده برای جلوگیری بودند از ورود جمعیت در داخل مجلس جلوگیری می کنند و اظهار مینمایند که آقای دکتر مصدق تشریف بیاورند چند نفر هم با ایشان وارد شوند ولی از ورود تمام جمعیت باید جلوگیری شود .

دو ساعت بظهر امروز شعبه های شش گانه برای انتخاب هیئت جلسه خصوصی . ریسه تشکیل گردید . هیئت ریسه هر شعبه با ضافه نمایندگان برای کمیسیون عرایض و مرخصی و کمیسیون مبتکرات انتخاب گردید بعد ابتداء آن جلسه علنی زده شد ولی بنا بتقاضای جمعی از نمایندگان جلسه خصوصی تشکیل گردید و در جلسه خصوصی مذاکراتی بر حسب پیشنهاد آقای مهندس فریور روی جریان اخیر مجلس شروع گردید ایشان پیشنهاد نموده بودند که مجلس از لحاظ اعاده حیثیت آقای دکتر مصدق تقاضای ایشان را بعنوان طرح قبول نماید و طرحی بتصویب نمایندگان مجلس برسد که طبق آن آقای دکتر مصدق پرونده های مربوط به آقای تدین را در مدت ۱۵ روز رسیدگی نموده و گزارش آنرا بمجلس شورای ملی تقدیم دارند .

روی این پیشنهاد مذاکرات زیادی شد و عده از نمایندگان مخالف بودند و آنرا خلاف اصول و ترتیب مجلس میدانستند و منتقد بودند که قبول این پیشنهاد بمنزله سلب اقتضاد از مجلس و کمیسیون دادگستری است در صورتیکه آقای دکتر مصدق بدون این طرح و بدون چنین پیشنهادی کاملا این حق را دارا میباشد و نمایندگان هم بسیار خوشنود خواهند شد که ایشان پرونده های موجوده را دقیقا رسیدگی نموده و نتیجه مطالعات خودشان را پس از ۱۵ روز بمجلس گزارش دهند .

مواقفین طرح پیشنهادی با اظهار تأسف از پیش آمد جلسه قبل استدلال مینمودند که بر رعایت احترام دکتر مصدق و بلحاظ افکار عامه مقتضی است مجلس این پیشنهاد را قبول نماید تا آقای دکتر مصدق بمجلس بیایند . بالاخره پس از بحث زیاد اینطور مذاکره شد و مخالفی هم نبود که هیئت ریسه مجلس با آقای دکتر مصدق اطلاع دهند که پرونده ها را در کمیسیون دادگستری یا در یکی از اطاق های مجلس مدت ۱۵ روز مطالعه نمایند و بعد نظریه خودشان را تقدیم مجلس نمایند و مجلس نمی تواند خود مخالف قانون و اصول رفتار نماید .

مذاکرات جلسه خصوصی بهمین جا پایان یافت ولی در جریان شلیک غیر نظامیان مذاکرات یکی از آقایان نمایندگان اطلاع داد که محصلین دانشکده حقوق بحال اجتماع آقای دکتر مصدق را بمجلس می آورند . چند دقیقه بعد دیگری اظهار کرد که الان در خیابان شاه آباد رسیده اند و بست مجلس میآیند

باز چند دقیقه بعد یکی از نمایندگان فریاد کرد که نظامیان جلوی محصلین را در خیابان گرفتند. چرا جلوگیری میکنند.

در موقعی که مذاکرات خاتمه می پذیرفت چند نفر از نمایندگان از طرف آقای رئیس انتخاب شدند که در خارج از مجلس آقای دکتر مصدق را ملاقات نمایند و ایشانرا بمجلس



سر بازان بنا بدستور مساده
به جمعیت نیر اندازی و با
سرباز حمله مینمایند!

بیاورند- آقایان: فرمند، فیروز آبادی، دکتر شفیق، مهندس فریور، مرآت اسفندیاری، منوچهر تیمور تاش، جمال اماسی و چند نفر دیگر کسانی بودند که جلوی در مجلس رفتند.

ناگهان صدای شلیک تیر بلند شد جمعی فریاد کردند: «برای چه شلیک میشود؟ کی دستور داده است؟ آقای رئیس مجلس! چرا بستم جمعیت شلیک میکنند!»
رئیس مجلس و چند نفر از اعضای هیئت رئیسه سرا سینه از جلسه خارج شدند و جلوی در مجلس مقابل جمعیت رفتند و تیر اندازی نظامیان که چند ثانیه ادامه داشت خاتمه پذیرفت.

معلوم شد که نظامیان از
وردود جمعیت جلوگیری
کرده بودند و چون جمعیت

نتیجه شلیک

اصرار در وارد شدن
بمجلس نموده بود و
هجوم آورده بودند
نظامیان شروع بشلیک
رو بهوا کرده اند.
چند تیر باشخص
اصابت کرده بود و جوانی
که بایوان مقابل مجلس
رفته بود هدف تیر شد که
پس از انتقال بمریضخانه
نجیه معالجات مفید واقع



آقای منصور اسفندیاری دانشجوی حقوق
که مورد اصابت گلوله واقع
و معالجه گردید



آقای رضا اوچه پوری محصل هنرستان
صحتی که در اثر اصابت گلوله
از پای درآمد

مجلس و هیئت مدیره

نگرید و فوت نمود این جوان رضای خواجه نوری و محصل دانشکده بود که برای تماشای بایوان عسارت مقابل سردر مجلس رفته بود .

چند نفر دیگر بر اثر ضربه مجروح شدند که جراحات بعضی خفیف و در بهسداری مجلس پانسان شدند و سه نفر که سخت مجروح شده بودند به بیمارستان رضا نور انتقال یافتند .

یکی منصور اسفندیاری که دو گلوله بیازوی ایشان خورده است . دیگری حسینی کمال هدایت که ته تخنك ستون قرات او را شکسته است سومی عبدالحسین عباسی که چشم چپ ایشان صدمه زیاد دیده است .

حالت این مجروحین تا آخرین ساعتی که کسب اطلاع شد خطرناک نیست و رو به بهبودی میروند .

از نمایندگان مجلس که برای آوردن آقای دکتر مصدق جلوی مجلس آمده بودند آقای سرآت اسفندیاری کارپرداز مجلس صدمه سختی دیده اند ته تخنك بسراشان خورده و مختصر شکاف برداشته بود که فوراً در بهسداری مجلس پانسان گردید و خطری نیز متوجه ایشان نیباشد و محتاج بغوایدن در بیمارستان نشدند .

آقای رئیس مجلس و سایر نمایندگان که پس از شلیك تیر در معوطه مجلس رفته بودند دستور دادند آقای دکتر مصدق را که در این موقع دچار ضعف شده بودند یکمده از محصلین روی دست داخل مجلس نمایند و بعد هم دستجات دیگر محصلین وارد حیاط مجلس شدند .



مرحوم دکتر معاون نماینده کرمانشاه

آقای دکتر مصدق را با داره بهسداری مجلس بردند و در آنجا آقای دکتر معاون و سایر پزشکان مجلس مراقبت نمودند تا بحال آمدند بعد آقای دکتر مصدق در اطاق پائین اجتماع نمایندگان حضور یافتند و در این موقع محصلین در صحن مجلس اجتماع داشتند و فریاد «زننده باد دکتر مصدق» مینمودند .

آقای سر لشکر ارفع رئیس ستاد ارتش که پس از وقوع حادثه بمجلس آمده و از شلیك و تیراندازی اظهار تأسف مینمودند در این تالار حاضر بودند .

آقای سریاس سیف رئیس شهر بانی و جمعی از آقایان نمایندگان و هیئت رئیس مجلس نیز در اینجا حضور داشتند همه از پیش آمد امروز و تیراندازی که موجب قتل يك جوان و مجروح شدن چند نفر شده است اظهار تأسف و تنقیب قضیه را خواستار و جداً در مقام رسیدگی برآمدند .

ضمناً از آقای دکتر مصدق خواهش نمودند که از جمعیت بغواهند که متفرق شوند لذا ایشان هم بجلوی مجلس آمدند و در طی تعلق مختصری جمعیت را دعوت بفرقه نمودند

سپس در همان تالار حضور پیدا کردند و تا یکساعت بعد از ظهر در آنجا بودند و چون هنوز ازدحام جلوی مجلس باقی بود از در دیگر مجلس بسزول خودشان رفتند.

آقای دکتر معظی نیز در ضمن مجلس آقایان دانشجویان دانشکده حقوق را مخاطب قرار داده و تقاضا نمودند که از مجلس خارج شوند.

ازدحام در خارج مجلس و در داخل مجلس رو بترایه میگذاشت و علاوه از محصلین دانشکده حقوق و دانشکده پزشکی و یکمده محصلین دیگر جمعیت متفرقه از هر طرف باین ازدحام ملحق می شد و از تمام خیابانها و اطراف مردم که صدای شلیک تیر شنیده بودند

و از واقعه مجلس مطلع شده بودند بست بهارستان می رفتند.

گزارش دست چپ آقای سرکنشگر رفیع رئیس ستاد ارتش و همراهِ ست راست مرحوم سر پاس سیف رئیس شهرداری در واقعه ۱۵ اسفند ۳۳ (عکس آقای سر پاس کنشگریان بدست آمده)

انعکاس واقعه جلوی بهارستان و تیر اندازی و ازدحام جمعیت و

تعطیل بازار و تفرقه و قایم اخیر در بازار نیز موجب تعطیل گردید تمام کسبه و اصناف دکانین خود را بستند و تا بعد از ظهر باز نکردند.

از بعد از ظهر بتدریج دکانین باز شد و کسب بشفل و کار خود مشغول شدند.

جمعیت دانشکده ها نیز بعد از ظهر از مجلس خارج شدند و سایر مردم هم بتدریج متفرق گردیدند و عصر دیگر هیچ خبری جلوی مجلس و میدان بهارستان نبود.



این بود جریان وقایع تأسف آور امروز که بطور قطع هر خواننده ای متالم و متأثر میسازد.

ما در ضمن اظهار تأسف از مرگ این جوان و مجروح شدن چند نفر و تأثر از یش آمد مزبور انتظار داریم موضوع مورد کمال توجه رسیدگی قرار گیرد.

اولاً معلوم شود تیر اندازی بطرف جمعیت بدستور کسی بوده است ؟ دستور دهنده باید معاکبه و مجازات شود تا نیا اگر تهریکاتی در این میان وجود داشته که منجر باین واقعه تا گوار گردیده است باید معلوم شود معرکین چه اشخاصی بوده اند ؟ مسئول خون این جوان که خانواده ای را امروز داغدار ساخته است کیست ؟

ما از مجلس شورای ملی و نمایندگان میخواستیم که این موضوع را تحقیق نمایند و مسئولین واقعه را تحت بازخواست قرار دهند تا اینگونه وقایع شوم رخ ندهد.

البته دولت باید بلافاصله در مقام تحقیق و بازجوئی و تحقیق قضیه بر آید و نگذارد خون جوان ناکامی بهدر رود.

امروز چیزی نمانده بود که واقعه ۱۷ آذر تجدید شود اگر در ۱۷ آذر معرکین و مسبین تغیب و مجازات میشدند امروز این عمل تکرار نمیشد و اگر امروز هم باز جلوی گیری نشود باید منتظر ۱۷ آذر شدیم ترو سخت تری بود .



نگارنده شخصا آن روز در جلوی مجلس ناظر کلیه جریانات بودم احساسات پر شور جوانان محبوبیت بی نظیر نماینده اول تهران را آشکار میساخت - وقتی که نظامیان تفنگ خود را به حال تیر اندازی در دست گرفتند من خود را به پلکن مدخل جایگاه تماشاچیان که در پشت سر نظامیان بود رسانیدم دکتر مصدق در این موقع در روی دست مردم بود همین هنگام فرمان آتش صادر گردید و نظامیان شروع به تیر اندازی کردند - تیر اندازی عموماً رو به هوا بود ولی مثل اینکه سه چهار نفر مخصوصاً مأموریت داشتند که رو به جمعیت تیر اندازی کنند و تیر ناپلکری که «خواججه نوری» دانشجوی هنرستان صنعتی را از پا در آورد از طرف همان چند نفر بود که به خطرافت و بقرائن زیاد شاید میبایست نماینده اول تهران را محو و نابود کند ولی خدا نخواست و یکی از قرائن این است که تیر اندازان محاکمه و مجازات نشدند !!...

بر حسب تمایل عمومی و تقاضای عده از نمایندگان دکتر مصدق بمجلس آمد و در جلسه یستم اسفند شرکت نمود قبلاً آقای سید محمد صادق طباطبائی

یازدهم دکترا مصدق بمجلس
و ایراد نطق تاریخی

رئیس مجلس پس از آن نماینده اول تهران بیاناتی نمودند که از شماره ۲۵ مذاکرات مجلس صفحه ۱۴۲ نقل میشود :

رئیس - آن طوری که بنده از اظهارات جناب آقای دکتر مصدق استنباط کردم که امروز بهبه میفرمودند ایشان نظریه سومی و اظهار سومی نسبت بمجلس شورای ملی نداشته اند (صحیح است) آن روز اساساً در مجلس یک حال عصبانی پیش آمده بود که لازم است یک اتفاقات و پیش آمد هائی بود والا ایشان خودشان از اعضاء محترم و فعال مجلس هستند که البته مجلس و منکلت باید از نظریات ایشان و از کارهای ایشان استفاده بکنند (صحیح است) راجع بان قضیه که آنروز مطرح بود همانطور که در مجلس بالاتفاق گفته شد پرونده آنجا است و آقای دکتر شریف میبرند و رسیدگی میکنند و اگر در اطراف آنها توطیعاتی و اسناد دیگری لازم باشد بهیئت رئیس اطلاع میدهند و ما هم آنها را از وزارت خانه های میخواستیم و تحت اختیار ایشان میکنند (صحیح است) و البته ایشان هم آن مطالعاتی که لازم است بعمل می آورند و رسیدگی میکنند و گزارشی که لازم است میدهند (صحیح است - بسیار خوب) و آقای دکتر مصدق فرمایشی داشته در این جلسه، استدها میکنم بفرمایند .

دکتر مصدق - یکسال از هر مجلس میکزرد اگر سؤال کنند در این مدت چه کردید جواب این است که تمام وقت بکار دکتر میلیسپو گذشت و بعضی از نمایندگان که

لاستیک گرفتند و بنوان موکلین قند و شکر و پارچه و نخ دریافت نمودند تا بتوانستند از او حمایت کردند و مردم را از سیاست بین‌المللی نترسانیدند و کار مملکت را بصورتی در آوردند که وقتی دکتر رفت غیر از خزانه خالی و ملیارد ها ریال قرض چیزی بجا تعویل نکرد !!

اگر پرسند که چندین ماه است هفت اعلام جرم بر علیه سپهلی بپجلس داده شده که چهار تای آن مربوط با انتخاب شهرضا - بندر عباس - فارس و آذربایجان و پنجمین راجع باختلاس معادل ۲۰۰ هزار تومان از مصالح تأثر شهرداری و آجر کوره بز خانه در زمان وزارت کشور خود و ششمین مربوط بیراقی درو پنجره وزارت خارجه و هفتمی که در جلسه سری مطابق اصل ۲۴ قانون اساسی برباست مجلس تقدیم شده و فعلا از ذکر موضوع آن خودداری میکنم تمام پلانتکلیف مانده و کمپسیون داد گستری تاکنون تفتاً یا اتبانا گزارشی نداده و اورا طوری جری نموده که با نمایندگان وظیفه شناس مبارزه میکند کمپسیون داد گستری چه جواب خواهد داد !!

اگر بگویند برای نسبتی که بندهین راجع بگرفتن ۱۵۰ هزار تومان رشوه و یک قالی سنگین قیمت در تبریز داده اند چرا اکثریت کمپسیون داد گستری تمام پرونده هارا از وزارت داد گستری نخواست که از روی آنها گزارش جامعی تنظیم کند و منع تعقیب تدین رأی داد که سبب شود دولت نتواند هیچوقت حساب ۱۲۵ میلیون تومان پولی که برای خوار بار گرفته است بخواند. آیا اکثریت کمپسیون داد گستری چه خواهند گفت؟!

اگر سؤال کنند مدتی است کمپسیون مجلس برای رسیدگی بنسبتهائی که بو کلا می دهند انتخاب شده و تاکنون يك گزارش نداده است شما نمایندگان درستکار چه خواهید فرمود؟!

آیا اکثریت يك چنین مجلس بچه اشخاص اظهار تمایل میکنند و اگر بر حسب تصادف بدولتی رأی دادند که با او داخل در معاملات نشد با او چگونه رفتار مینمایند؟!

از این هرا بیض مقصودم حمایت از این دولت نیست من با این دولت برای این موافقت نمودم که دست دکتر میلیسبو را از دارائی مملکت کوتاه کند و الحق هم بوعده خود وفا کرد پس از آن چون وزیر داد گستری دادستان را بدون جهت تغییر داد و اشتهارائی در اطراف این قضیه هست و همچنین انتخاب شخص تنگبینی که دولت برای امور اقتصادی کرد مرا نسبت بغود بدین نموده و تا آن را جبران نکنند با او موافقت نمیکنم .

من همیشه بنمایندگان خیر خواه و نیکوکار احترام و آنان را ستایش میکنم و چنانچه از عرایض جلسه ۱۳ اسفند سوء تفاهمی دست داده است معذرت میطلبم .

من بساحت مقدس مجلس شورای ملی همیشه احترام میکنم (سجیح است) و نسبت ببوکلین خود میخواهم انجام وظیفه نمایم هر گاه برای انجام وظیفه نبود سرا چه کار که خود را دچار محاصره و لوطنه دست های ناپاک نمایم. گویند که توطئه ۱۵

اسفند برای این تهیه دیده شده بود که من از بین بروم چون مطابق ماده ۱۰ قانون حکومت نظامی که از استقرار است: «اجتماعات و انجمن هادرمندت حکومت نظامی باید بکلی موقوف و متروک باشد اگر اجتماعی منعقد شود بجزرد اخطار اولی پلیس باید متفرق شوند و در صورت مقاومت یا مخالفت، مقاوم یا مخالف جلب بمعکمه نظامی و محکوم بجزازات خواهد شد هر گاه اجتماعات مزبوره کلا یا بعضاً مسلح باشد مقارن همان اخطار اولی حاملین اسلحه توقیف و موافق حکم معکمه نظامی مجازات میشوند.» نظامیان حق شلیک نداشتند و

بهر دم شلیک نمودند هر نسبت با نهماظنین کرد و از این متأسفم که من در آخر عمر میمانم و از این توطئه رضاخواجه نوری جوان ناکام و یکشر بنا که بعد از تحقیق نام او را عرض میکنم فدای اغراض بعضی اشخاص شدند!!

همه از دست غیر مینالند سعدی از دست خویشترن فریاد

من از دولت سوال میکنم چه شد اول سر تپ گلشائیان حاکم نظامی از کار بر- کنار شد و بلا فاصله رکن ۲ ستاد ارتش که صلاحیت رسیدگی نداشت بدون تحقیقات از شهود و مظلمین او را تیرگی نمود. پس از آن بعنوان اینکه یسلی یکی از نمایندگان جواب نداد از کار منفصل شد من باین دولت ودواتی که بعد میآید عرض میکنم که سر تپ نامبرده باید در محکمه ای مرکب از اشخاص معروف بصحت عمل معاکه شود والا برای من مشکل است که در این مجلس انجام وظیفه نمایم.

در ۳۰ سال قبل که من معاون وزارت مالیه بودم و مملکت قانون جزا نداشت بعضی از رؤسای ادارات آن وزارت اعتراضاتی نمودم و بر خلاف نص صریح قانون تشکیلات مجلس مشاوره عالی را که قطع وزیر میتوانست دعوت کند و وزراء بواسطه عدم شجاعت و ناپاکی نمیتوانستند این کار را بکنند دعوت نمودم معترض علیهم برای فرار از معاکه اول بصلاحیت آن مجلس بجهتای اعتراض نمودند و هیئت دولت کمیسیونی مرکب از ۵ نفر انتخاب نمود که با اعتراضات من رسیدگی کنند و بعد آنها اظهار نمودند که چون نسبت بسن اعتراضاتی دارند من هم باید معاکه و مجازات شود.

از نظر اینکه متهمین از معاکه فرار نکنند و حقیقت گفته های من برجامه معلوم- شود تن بسحا که دادم و با مواهقت خود من دولت تصویب نامه صادر کرد که کمیسیون نامبرده مرا هم معاکه نماید این معاکه در سالی که کمیته مجازات تشکیل شده بود و امنیت جانی برای کسی نبود و من دومرتبه نزدیک بود ترور شوم پنجماء طول کشید (لنکرانی برای خائنین بود - برای خائنین بود) آقایان محترم میدانید کمیسیون بامن چه کرد ؟ کمیسیون مرا هم بکسر نلت حقوق در مدت سه ماه محکوم نمودند.

از آقای احمد اشتری که یکی از اعضای کمیسیون و امروز بحمدالله در قید حیاتند کسی پرسید که معاون را چرا محکوم نمودید ؟

بطور شوخی گفتند: « برای اینکه معاون توبه کند و از دزدها بترسد .»

آقایان!.. این حکم درباره من هیچ اثر نکرد بطوریکه میتوانم عرض کنم توبه گرگ مرگ است .

آقایان نمایندگان!... ای کسانی که پیشنهاد من که حیات مملکت قائم بتصویب این قبیل پیشهادات است چون آنرا مخالف قانون تشخیص و بآن رأی نداده اید از شما سؤال میکنم آیا قانون برای مملکت و یا مملکت برای قانون است ؟ آقایان نمایندگان!... من عرض نمیکنم که هیچوقت اشتباه نمیکنم ولی حتی المقدور سعی کرده ام که کاری بر خلاف قانون ننمایم .

ما نمایندگان مجلس دو قسم پیشنهاد میتوانیم بکنیم .

یکی طرح قانون که قبل از تقدیم باید ۱۵ نفر آنرا امضاء کنند و تصویب مجلس موجب تلویح قانون میشود و پس از طی مراحل دیگر آنرا قوه مجریه اجرا نماید .
و دیگری تصویب آن مجلس (رزولوسیون) که قانونیت ندارد و خود مجلس آنرا اجرا مینماید
پیشنهاد ورود در دستور و اخذ رأی با ورقه و ختم جلسه و پیشنهادات دیگری از این قبیل